

چکیده

شبه‌نظامیان کرد سوریه موسوم به نیروهای قسد، وابسته به حزب اتحاد دموکراتیک، به عنوان یکی از بازیگران بومی منطقه شرق فرات در سوریه قلمداد می‌شوند.

شبه‌نظامیان قسد طی سال‌های گذشته در کنار اعلام همزیستی مسالمت‌آمیز با دمشق و همسویی با آن و در سایه فقدان دولت مرکزی مقتدر در منطقه شرق فرات و کاهش حضور و نفوذ آن در این مناطق و در پرتو حمایت‌های نظامی و تسلیحاتی آمریکا و ایفای نقش پیاده‌نظام ائتلاف، به سمت خودمختاری ذاتی گام برداشته و سعی کردند از ظرفیت‌های آمریکا در دستیابی به حقوق خود و عنایت‌بخشی به آرمان کردی در برقراری سیستم خودگردانی با ایجاد ساختارهای سیاسی و نظامی در مناطق شمال و شرق فرات بهره‌گیرند.

بستر اصلی کردها در بیان خودمختاری ذاتی در منطقه شرق فرات، ضعف دولت مرکزی و کاهش نفوذ آن در مناطق شرق فرات بود و پشتوانه اصلی آنها در اعلام این خودمختاری، حضور نامشروع آمریکا بوده و می‌باشد. این مقاله با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و با اتکا به منابع کتابخانه‌ای، به دنبال امکان‌سنجی الحاق قسد به دولت سوریه و چشم‌انداز مذاکرات و گفتگوهای دو سویه میان دو طرف می‌باشد و اینکه اساساً چه آینده‌ای در قبال شبه‌نظامیان قسد در پرتو حضور عناصر آمریکایی در مناطق تحت سیطره آنها متصور است.

یافته‌های مقاله حاکی از آن است که هر چند جریان‌های کردی در پرتو حضور آمریکایی در این منطقه به ساختارسازی سیاسی و نظامی - امنیتی مبادرت ورزیده و تاکنون از تعامل حداکثری با دولت مرکزی و اعاده حاکمیت دمشق برای این منطقه خودداری کرده‌اند، اما در بلندمدت با توجه به تعارض ساختاری موجود میان سیستم حکمرانی کردها و سیستم عشیره‌ای این منطقه و مخالفت عشایر با کردها و شکل‌گیری مقاومت محلی علیه حضور نامشروع آمریکا در این منطقه، زمینه برای خروج آمریکا و حاکمیت دوباره دولت مرکزی برای این منطقه و به تبع آن الحاق قسد به دولت سوریه فراهم خواهد شد.

واژگان کلیدی

قسد، دولت سوریه، شرق فرات، الحاق



مقدمه

منطقه شرق فرات با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی آن در اتصال جغرافیایی کشور سوریه با عراق، هم‌مرز بودن آن با ترکیه، برخورداری از ذخایر غنی نفت و گاز، داشتن کشاورزی پررونق با کشت عمده گندم و گذر دو رود فرات و خابور از آن، از جایگاه مهمی در تحولات آینده سوریه برخوردار است. در حال حاضر این منطقه به غیر از دو مربع امنیتی در قامشلی و حسکه و همچنین بخش‌هایی از مناطق مرزی شمالی که در اختیار نظام حاکم بوده، تحت سیطره و کنترل کردها به‌طور خاص نیروهای دمکراتیک سوریه یا به تعبیر دیگر نیروهای «قسد»^۱ (وابسته به یگان‌های مدافع خلق YPG) قرار داشته و از طریق سیستم خودگردانی با اتکا بر شوراهای محلی اداره می‌شود. شبه‌نظامیان کرد موسوم به نیروهای دمکراتیک سوریه یا همان قسد به عنوان بازیگر اصلی این منطقه در حوزه نظامی - امنیتی شناخته شده و شاخه سیاسی آن موسوم به شورای سوریه دمکراتیک یا به تعبیر دیگر «مسد»^۲، مسئولیت امور سیاسی و ارتباطات خارجی را بر عهده دارد.

ارزش راهبردی این منطقه با توجه به وجود گذرگاه مهم «بوکمال» و نقش آن در اتصال سرزمینی با کشور عراق و همجواری با ترکیه، آن را به یکی از حوزه‌های مهم و استراتژیک برای همه بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی دخیل در بحران سوریه؛ به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران، تبدیل کرده است. از طرف دیگر، با توجه به اینکه بازیگران دخیل در این منطقه دارای اهداف و منافع متضادی در ارتباط و تعامل با بازیگران بومی آن هستند، همین مسئله می‌تواند آینده منطقه شرق فرات را در شرایط مبهم و نامعلومی قرار دهد.

از سوی دیگر، با توجه به اینکه منطقه شرق فرات به‌عنوان غنی‌ترین بخش جغرافیایی سوریه از لحاظ منابع آبی، کشاورزی، نفت و گاز محسوب می‌شود، از اهمیت بسیاری برای نظام حاکم این کشور در سایه تحریم‌های شدید آمریکا و کشورهای اروپایی برخوردار است.

اعاده حاکمیت دولت سوریه بر این منطقه تابعی از نوع تعامل دولت این کشور با بازیگران بومی این منطقه و همچنین بازیگران خارجی می‌باشد. در شرایط فعلی، شبه‌نظامیان کرد موسوم به نیروهای قسد، وابسته به حزب اتحاد دمکراتیک، با حمایت و پشتیبانی مستقیم آمریکا و هم‌پیمانان اروپایی آن به‌عنوان بازیگر اصلی منطقه شرق فرات شناخته شده و این در صورتی است که کردها بزرگ‌ترین اقلیت قومی این منطقه بوده و عشایر عرب به‌عنوان جمعیت غالب این منطقه قلمداد می‌شوند.

شبه‌نظامیان قسد طی سال‌های گذشته در کنار اعلام همزیستی مسالمت‌آمیز با دمشق و همسویی با آن و در سایه فقدان دولت مرکزی مقتدر در منطقه شرق فرات و کاهش حضور و نفوذ آن در این مناطق و در پرتو حمایت‌های نظامی و تسلیحاتی آمریکا و ایفای نقش پیاده‌نظام ائتلاف،

۱. قوات سوريا الديمقراطية

۲. مجلس سوريا الديمقراطية

به سمت خودمختاری ذاتی گام برداشته و سعی کردند از ظرفیت‌های آمریکا در دستیابی به حقوق خود و عینیت‌بخشی به آرمان کردی در برقراری سیستم خودگردانی با ایجاد ساختارهای سیاسی و نظامی در مناطق شمال و شرق فرات بهره‌گیرند.

بستر اصلی کردها در بیان خودمختاری ذاتی در منطقه شرق فرات، ضعف دولت مرکزی و کاهش نفوذ آن در مناطق شرق فرات بود و پشتوانه اصلی آنها در اعلام این خودمختاری، حضور نامشروع آمریکا بوده و می‌باشد. از این رو، با خروج آمریکا و یا تضعیف حضور آن در منطقه شرق فرات، چشم‌انداز خودگردانی کردی نیز درهاله‌ای از ابهام قرار خواهد گرفت.

طی سال‌های حکمرانی قسد بر منطقه شرق فرات، نوع تعامل این گروه شبه نظامی با دولت سوریه در وضعیت نه جنگ و نه صلح برقرار بوده و با وجود آنکه طی برخی از دوره‌ها با توجه به شرایط زمانی و افزایش حجم تهدیدات بیرونی؛ به خصوص حملات نوبه‌ای ترکیه به مناطق تحت سیطره آنها در سایه کاهش حمایت‌های آمریکا، به سمت مذاکره و گفتگو با دمشق روی آورده، اما هیچ‌گاه این مذاکرات دو طرفه، ثمربخش نبوده است و در واقع حجم و سقف مطالبات شبه نظامیان کرد در گفتگوهای آنها با دمشق و همچنین عدم جدیت شبه نظامیان کرد در مذاکرات با دولت در پرتو اتکای آنها به حضور عناصر آمریکایی در مناطق تحت سیطره خود، مانع به نتیجه رسیدن این مذاکرات بوده است. البته در برخی دوره‌ها نیز درگیری‌هایی به صورت محدود و گاهی شدید میان دو طرف اتفاق افتاده، اما هیچ یک از این درگیری‌ها منجر به تغییر ماهیت روابط کردها با حکومت دمشق و حرکت به سمت خصومت مطلق نشده است.

در شرایط فعلی، شبه نظامیان قسد با گسترش مناطق تحت سیطره خود در شرق فرات و دستیابی به چاه‌های نفت و گاز در این منطقه و در پرتو حمایت و پشتیبانی آمریکا به دنبال تثبیت سیستم خودگردانی کردی در منطقه شرق فرات هستند؛ اما در این مسیر از یک طرف با چالش مشروعیت مردمی با توجه به حضور حداکثری عشایر عرب زبان در این منطقه مواجه هستند و از طرف دیگر، به منظور تثبیت موقعیت خود در دو عرصه سیاسی و نظامی در بلند مدت نیازمند توافق با دولت می‌باشند؛ چراکه برقراری هرگونه سیستم خودگردانی در مناطق شرق فرات باید با چراغ سبز دولت مرکزی همراه باشد و همین مسئله خود مانع بزرگی در تحقق این خواسته کردها خواهد بود. در واقع، طرف مورد مذاکره کردها برای پذیرش مطالبه خودمختاری، دولت سوریه است؛ زیرا اساساً هر سیستم خودگردانی بر پایه تبعیت از دولت مرکزی شکل خواهد گرفت.

بر همین اساس، نوع تعامل نظام حاکم با قسد و همچنین کنش بازیگران خارجی دخیل در این منطقه؛ از جمله آمریکا با این گروه شبه نظامی، نقش بسزایی را در تعیین سرنوشت قسد و چشم‌انداز این گروه و الحاق آن به دمشق ایفا خواهد کرد. بر همین اساس، شناخت مؤلفه‌ها و



متغیرهای اثر گذار در این مسئله امری اجتناب ناپذیر می باشد.

با توجه به اینکه مناطق تحت سیطره قسد از موقعیت ویژه و راهبردی برای نظام حاکم و همچنین جمهوری اسلامی برخوردار است، چشم انداز مطلوب یا به تعبیر دیگر، سناریوی مطلوب جمهوری اسلامی در این منطقه، اعاده حاکمیت دمشق بر این منطقه در سایه پیوستن قسد به دولت می باشد که در شرایط کنونی مهم ترین و اصلی ترین عامل بازدارنده یا پسران در تحقق سناریوی مطلوب ایران، حضور عناصر آمریکایی در این منطقه می باشد.

بستر اصلی برای حضور عناصر آمریکایی در منطقه شرق فرات، استقرار شبه نظامیان کرد موسوم به نیروهای نظامی قسد و همچنین کاهش اقتدار و ضعف دولت در این مناطق بوده و آمریکا با اتکا به قومیت کردی، حضور خود را در این منطقه تعریف کرده است. این در حالیست که در صورت تحقق آشتی و مصالحه میان قسد و دولت سوریه و به تبع آن پیوستن قسد به دولت، زمینه برای اعاده حاکمیت نظام بر این منطقه فراهم خواهد شد.

این پژوهش به دنبال امکان سنجی الحاق قسد به دولت سوریه و چشم انداز مذاکرات و گفتگوهای دو سویه میان دو طرف می باشد و اینکه اساسا چه آینده ای در قبال شبه نظامیان قسد در پرتو حضور عناصر آمریکایی در مناطق تحت سیطره آنها متصور است.

این مسئله سه بعد اساسی دارد: اول اینکه، چه نسبتی میان قسد با بازیگران بومی و بازیگران خارجی دخیل در منطقه جزیره وجود دارد؟ دوم اینکه، شبه نظامیان قسد از چه ظرفیت ها و امکاناتی برای بازیگری و ایفای نقش در این منطقه و همچنین تعاملات خود با نظام حاکم برخوردارند و اینکه چه چالش ها و تهدیداتی در سطوح داخلی و منطقه ای و بین المللی پیش روی آنها قرار دارد؟ سوم اینکه، عوامل پیشران و پسران در الحاق قسد به دولت سوریه چیست؟

مختصات و اهمیت منطقه شرق فرات

منطقه شرق فرات سوریه، شامل سه استان دیرالزور، حسکه و رقه است و به عنوان غنی ترین بخش جغرافیایی این کشور از لحاظ منابع آبی، کشاورزی، نفت و گاز تلقی می شود. این منطقه حدود یک سوم از کل مساحت سوریه را در بر می گیرد و تا پیش از آغاز بحران در این کشور حدود ۴ میلیون نفر (۱۷ درصد از کل جمعیت کشور) در این منطقه زندگی می کردند. بافت جمعیتی غالب در این منطقه، عشیره ای - قبیله ای بوده و قوم عرب بیشترین جمعیت را تشکیل می دهند و در مرتبه دوم، کردها به عنوان یک اقلیت قومی در این منطقه حضور دارند.

ارزش استراتژیک این منطقه به جغرافیای غنی انرژی (نفت و گاز)، رود فرات، کشاورزی پر رونق (گندم، پنبه و عدس)، پیوستگی ژئوپلیتیکی آن با کشور عراق، هم مرز بودن با ترکیه، وجود

گذرگاه حیاتی بوکمال و بافت عشیره‌ای - قبیله‌ای آن باز می‌گردد.

منطقه شرق فرات به‌عنوان قطب تولید گندم در کشور سوریه قلمداد می‌شود؛ به‌گونه‌ای که طی سال‌های ۱۹۹۴ تا ۲۰۰۸ (پیش از خشکسالی و شروع بحران) حدود ۴ میلیون تن گندم تولید می‌کرد که بخشی از آن برای تأمین نیاز داخلی و بخشی دیگر به کشورهای اطراف از جمله اردن، مصر و تونس صادر می‌شد. همچنین گفته می‌شود که کشور اردن نیاز خود به گندم را تنها از طریق سوریه تأمین می‌کرد. طی سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ به علت خشکسالی، حجم گندم تولیدی در منطقه شرق فرات با افت مواجه شده و تنها برای تأمین نیاز داخلی مورد استفاده قرار می‌گرفت.

در حال حاضر، طبق گفته رئیس مشترک هیئت اقتصادی در اداره خودگردان کردی، میزان تولید گندم در مناطق تحت سیطره کردها در شرق فرات در سال ۲۰۱۸ بین ۵۵۰ تا ۶۰۰ هزار تن بوده است؛ به‌گونه‌ای که حدود ۷۵ درصد اقتصاد این منطقه از طریق کشاورزی و ۱۵ درصد از طریق دامداری تأمین می‌شود.

منطقه شرق فرات علاوه بر کشاورزی پر رونق، بیشترین میادین نفتی سوریه را نیز در خود جای داده است؛ تا جایی که گفته می‌شود حدود ۹۰ درصد از ثروت نفتی سوریه و ۴۵ درصد از ظرفیت گاز تولیدی این کشور در منطقه شرق فرات واقع شده است. شایان یادآوری است که حجم کل ذخایر نفتی سوریه حدود ۲ میلیارد بشکه نفت برآورد می‌شود. این کشور در سال ۲۰۱۰ حدود ۴۰۰ هزار بشکه در روز تولید داشت که ۲۵۰ هزار بشکه آن مصرف داخل و بقیه صادر می‌شد.^۱

تبارشناسی کردهای سوریه

جنگ جهانی اول و شکست امپراتوری عثمانی سبب شد که قلمرو عظیم این امپراتوری تجزیه شود و کشور سوریه که بخشی از قلمرو عثمانی به شمار می‌رفت، در ۱۹۲۰ تحت قیمومیت دولت فرانسه قرار گیرد. سیاست دولت فرانسه طی آن دوران، مبتنی بر جلوگیری از رشد ملی‌گرایی عربی در سوریه بود؛ بنابراین، این دولت سعی کرد سیستم غیرمتمرکز در کشور را گسترش داده و قدرت را بین گروه‌های مختلف تقسیم کند. این سیاست دولت فرانسه با استقبال اقلیت کردی سوریه و مخالفت عرب‌ها که خواهان سیستم مرکزگرا بودند، روبه‌رو شد. در این دوران اقلیت کرد سوریه در ارتش و پلیس به کار گرفته شد.^۲

استقلال سوریه در ۱۹۴۶، با رشد ناسیونالیسم عرب در سوریه و سایر کشورهای عربی

۱. العلو، سقراط، تداعیات التنافس فی شرق الفرات علی الفاعلین المحليین والأزمة السورية، مرکز الجزيرة للدراسات، قابل‌بازیابی در آدرس زیر: <https://studies.aljazeera.net/ar/article/4694>

2. KLEIN, JANET, The Fate of the Kurds, <https://origins.osu.edu/article/kurds-stateless-turkey-syria-iraq-iran>

همزمان بود. طی این سالها اغلب کسانی که در محیط عربی قدرت را در دست می‌گرفتند، تلاش داشتند تا با پررنگ جلوه دادن هویت عربی، مبنایی برای حمایت توده‌ها از خواست و هدف خود ایجاد کنند. کردهای سوریه نیز تا نیمه سال ۱۹۵۰، مشکلات زیادی نداشتند؛ اما با قدرت یافتن بعضی‌ها در سوریه در ۱۹۵۶، تنش میان عرب‌ها و کردها آغاز شد. محدودیت جابه‌جایی، منع کاربرد زبان کردی در سیستم آموزشی و رسانه‌ها و... از اثرات افزایش ناسیونالیسم عربی در سوریه بود که افزون بر آن، وجود نفت در مناطق کردنشین بود که منجر به مشکلات بسیاری میان دولت و کردها می‌شد. علاوه بر افزایش ناسیونالیسم عرب، جمهوری متحده عربی که میان مصر و سوریه در ۱۹۵۸ ایجاد شد، بر رفتار با کردها تأثیر گذاشت. رویدادهای فوق، تحرك سیاسی میان کردها را افزایش داد و سبب شکل‌گیری حزب دموکرات کردستان سوریه، تحت تأثیر و نفوذ حزب دموکرات کردستان عراق، شد. اگرچه این حزب در ابتدا جاذبه فراوانی بر بسیاری از کردها داشت؛ اما با دستگیری اعضای آن در سال ۱۹۶۰، از صحنه سیاسی کنار رفت و تقریباً متلاشی شد.

دولت سوریه در ۲۳ آگوست ۱۹۶۲ (۱ شهریورماه ۱۳۴۱)، تصمیم به سرشماری در استان «الحسکه» واقع در شمال این کشور گرفت. نتیجه این سرشماری این بود که ۱۲۰/۰۰۰ کرد که قادر به اثبات هویت سوری خود نبودند، از حق شهروندی محروم شدند.

در ۱۹۸۰ میلادی و در پی تشدید اختلافات میان دولت‌های سوریه و ترکیه، دولت سوریه به عبدالله اوجالان و حزب کارگران کردستان ترکیه اجازه داد تا در دمشق و دره بقاع مستقر شوند و از این مناطق به عنوان پشت جبهه جنگ علیه ترکیه استفاده کنند. عبدالله اوجالان در سال ۱۹۷۹، از ترکیه فرار کرد و حزب کارگران کردستان وی (PKK) دفاتر و کمپ‌هایی را در سوریه تأسیس کرد. این امر حتی تا مرحله درگیری میان آنکارا و دمشق در سال ۱۹۹۸ نیز پیش رفت؛ زیرا حضور قدرتمند یک گروه معارض کرد ترکی که با کردهای سوریه ارتباط داشت، (اعم از استفاده از گویش کرمانجی، ازدواج افراد ساکن در مرزها و سیستم تجاری قوی)، می‌توانست حس ملی‌گرایی را بیش از گذشته طنین‌انداز کند. در نتیجه، اوجالان به قوی‌ترین نماد برای کردهای سوریه تبدیل شد و حتی به ایجاد حزب PYD در سال ۲۰۰۳ نیز منجر گردید.

گفتنی است که ترکیه و سوریه در موضوعات مهمی همچون مسئله آب فرات و تقسیم آن اختلاف جدی داشتند و سوریه بر آن بود که از برگه کردی (حزب کارگران کردستان ترکیه) برای فشار بر دولت ترکیه و تغییر رفتار آن بهره‌گیرد. در این دوره، علاوه بر حزب فوق، دو حزب عراقی «اتحادیه میهنی کردستان» و «حزب دموکرات کردستان» نیز اجازه یافتند تا در دمشق و قامشلی دفاتری را راه‌اندازی کنند. روابط دوستانه برخی از چهره‌های اقلیم کردستان مانند جلال طالبانی با دولت سوریه، ریشه در این رفتار دولت آن دارد.



کردها بزرگترین اقلیت قومی غیر عرب در شمال سوریه هستند که در سه استان حسکه، حلب و دمشق پراکنده می‌باشند. اما تمرکز اصلی آنها در دو استان حلب و حسکه و به طور خاص در سه کانتون جزیره (قامشلی - حسکه)، عین العرب و کانتون عفرین (تا پیش از عملیات شاخه زیتون) می‌باشد. در واقع، با در نظر گرفتن موقعیت جغرافیایی سوریه، کردها در استان حسکه در شمال کشور پرجمعیت‌ترین بخش هستند، در عین العرب در بخش ورودی رودخانه فرات به سوریه و همچنین عفرین که در مرزهای حلب قرار دارد نیز جمعیت قابل توجهی زندگی می‌کنند.

کردهای سوریه برخلاف کردهای سایر کشورها، در یک محدوده جغرافیایی مشخص و به هم پیوسته زندگی نمی‌کنند و همان‌طور که اشاره شد، به طور عمده ساکن مناطق شمال شرقی هستند. قریب به اتفاق کردها که حدود ۸ تا ۱۰ درصد جمعیت سوریه را تشکیل می‌دهند، مسلمان و پیرو مذهب شافعی هستند و با زبان کردی لهجه کرمانجی شمالی صحبت می‌کنند.^۱

همزمان با آغاز بحران در سوریه در سال ۲۰۱۱، احزاب کردی در شش ماه نخست، موضع صریح و آشکاری در قبال بحران و تظاهرات علیه نظام حاکم اتخاذ نکردند. در اوایل ماه می ۲۰۱۱ (اردیبهشت ماه ۱۳۹۰)، بخش اعظم احزاب سنتی کرد در شهر قامشلی گرد هم جمع شده و خواستار انجام مذاکره میان معارضه و نظام حاکم و تحقق مطالبات مشروع کردی در چارچوب وحدت و یکپارچگی کشور شدند. البته جریان‌های کردی نزدیک به مسعود بارزانی، در کنار جامعه جوانان کردی به‌طور رسمی در حرکت‌های اعتراض آمیز علیه دولت سوریه شرکت کردند که این امر با مخالفت دیگر احزاب؛ از جمله حزب اتحادیه دموکراتیک وابسته به پ.ک.ک، مواجه شد.

تقسیم‌بندی سیاسی کردهای سوریه

کردهای سوریه از نظر سیاسی به دو دسته تقسیم می‌شوند: حزب اتحاد دموکراتیک (وابسته به پ.ک.ک)، و شورای میهنی کرد (متشکل از چند حزب و وابسته به مسعود بارزانی). این دو جریان، نقش موازنه قدرت را میان رقبای کرد منطقه‌ای؛ یعنی حزب کارگران کردستان ترکیه و اقلیم کردستان عراق، بازی می‌کنند. البته به غیر از این دو گروه، بخشی از کردهای ساکن دمشق و حلب از همان سال‌های ابتدایی شروع بحران، در کنار نظام حاکم ایستادند و همچنین حامی دولت سوریه می‌باشند. سیاستمدارانی همچون عمر اسه (مشاور اوجالان در دوران اقامت در سوریه و نماینده کنونی دمشق در مجلس)، پروین ابراهیم و برخی دیگر از سیاستمداران کرد در حلب و دمشق هنوز

۱. دلی، خورشید، آکراد سوریا و معركة الإصلاح، پایگاه خبری الجزیره، قابل بازیابی در آدرس زیر:

<https://www.aljazeera.net/opinions/>

هم ماندن با حکومت اسد را بر فعالیت در جبهه کردی ترجیح داده و این افراد معتقدند که بشار اسد رئیس جمهور سوریه از راه مذاکره و گفتگو مطالبات کردها را برآورده می‌کند.^۱

شورای میهنی کرد (ENKS)

طی ماه‌های نخست شروع بحران در سوریه، نخستین تشکل کردی با نام شورای میهنی کرد (ENKS)، با حمایت و پشتیبانی مسعود بارزانی و با مشارکت ۱۶ حزب سیاسی که در گذشته عضو جبهه دموکرات کرد بودند، شکل گرفت و در نخستین نشست خود، خواهان شکل‌گیری نظام پارلمانی دموکرات و به رسمیت شناخته شدن کردها به عنوان یک گروه و جریان اصلی در حاکمیت شد. از مهمترین احزاب این گروه، می‌توان به «الپارتی» به رهبری عبدالحکیم بشار، «آزادی» به رهبری مصطفی جمعه، «آزادی» به رهبری مصطفی اوسو، «اتحاد» به رهبری ابراهیم برو و «دموکراتیک پیشرو» به رهبری عبدالحمید حاج درویش اشاره کرد.

شورای میهنی کرد در اواخر سال ۲۰۱۳، به ائتلاف ملی معارضین سوریه پیوست؛ اما همواره نسبت به بیانیه‌ها و تصمیمات آن اعتراض داشت. برجسته‌ترین اعتراض شورای میهنی کرد به سال ۲۰۱۶ میلادی باز می‌گردد که مراتب اعتراض خود را در ارتباط با سند کنفرانس لندن در سال ۲۰۱۶ به ریاض حجاب رسانید. شورای میهنی کرد نسبت به تأکید صرف این بیانیه بر هویت عربی سوریه، عدم اشاره آن به تکثر قومیتی؛ به‌طور خاص قوم کرد، و عدم به رسمیت شناختن این قوم اعتراض نمود. شورای میهنی کرد که تحت نفوذ مسعود بارزانی قرار دارد، به عنوان رقیب اصلی حزب اتحادیه دموکراتیک، قلمداد می‌شود که دارای اختلافات اساسی با اوجالان رهبر «پ.ک.ک.» است.^۲

حزب اتحاد دموکراتیک PYD (شاخه سیاسی پ.ک.ک در سوریه)

در سال‌های اول شروع بحران در سوریه، تمام نهادهای وابسته به پ.ک.ک و اوجالان در شمال سوریه در زیر چتر واحدی به نام مجلس شورای غرب فعالیت می‌کردند. حزب اتحاد دموکراتیک (pyd) و شاخه نظامی آن به نام واحدهای دفاع از خلق (ypg)، جنبش دموکراتیک، نیروهای انتظامی موسوم به آسایش و گروه‌های مرتبط با تأمین سوخت و کالا همگی بخشی‌هایی از مجلس غرب بودند.

حزب اتحاد دموکراتیک سوریه در سال ۲۰۰۳، به وسیله فعالان سیاسی کرد در شمال سوریه تأسیس شد که به عنوان مهمترین حزب سیاسی مخالف کرد سوری و قدرتمندترین و سازمان‌یافته‌ترین حزب در شمال سوریه به شمار می‌آید. این حزب به عنوان شاخه سوری حزب کارگران کردستان ترکیه پ.ک.ک از حامیان و هواداران عبدالله اوجالان موسس و رهبر PKK،

۱. باقری دولت آبادی، علی، ماهیدشتی، مهدی، آینده سیاسی کردستان سوریه: بیم‌ها و امیدها، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، پاییز ۱۳۹۶، دوره ۶، شماره ۳ (پیاپی ۲۳)؛ ص ۳۰
۲. همان، ص ۳۴

شناخته می‌شود. حافظ اسد در دهه ۱۹۸۰، به منظور اعمال فشار بر ترکیه در اختلافات خود با این کشور بر سر آب فرات، به عبدالله اوجالان اجازه داد در دره بقاع و دمشق مستقر شود و از آنجا به عنوان پایگاهی برای اعمال فشار بر ترکیه استفاده کند. اما به دنبال امضای پیمان «آدانا» در سال ۱۹۹۸ بین سوریه و ترکیه و بعد از شورش قامشلی در سال ۲۰۰۴، حزب اتحاد دموکراتیک به شدت از سوی دولت سوریه مورد سرکوب قرار گرفت، عبدالله اوجالان از سوریه اخراج شد و روند قطع روابط پ.ک.ک با نظام سوریه تا سال ۲۰۰۳ ادامه یافت.

همزمان با شروع بحران در سوریه در سال ۲۰۱۱، نظام حاکم با اتخاذ رویکرد تعاملی در قبال حزب اتحاد دموکراتیک سعی نمود با سپردن مسئولیت تأمین امنیت مناطق کردنشین به یگان‌های مدافع خلق، مانع شکل‌گیری یک جبهه کردی معارض علیه خود و پیوستن این گروه به معارضین عرب سوری شود و از ظرفیت آن در راستای مهار صداهای مخالف در میان کردها و همچنین گروه‌های تروریستی داعش و جبهه النصره بهره جوید؛ تا جایی که حزب اتحاد دموکراتیک از سوی احزاب کردی معارض به عنوان نماینده و وکیل نظام حاکم تلقی می‌شد. از این رو، شاخه نظامی حزب اتحاد دموکراتیک موسوم به YPG برای نخستین بار حضور نظامی خود را در ریف استان حسکه و به‌طور خاص مناطق مرزی این استان، تثبیت کرد و به مرور زمان و در پی عقب‌نشینی نیروهای نظام زمینه برای تحکیم و تثبیت حضور نیروهای YPG در مناطق کردی، از جمله منطقه جزیره، عین العرب و عفرین، فراهم شد؛ به گونه‌ای که به غیر از دو مربع امنیتی در قامشلی و حسکه که در اختیار نظام حاکم بود، دیگر مناطق تحت سیطره و کنترل این گروه قرار گرفت.

شاخه نظامی حزب اتحاد دموکراتیک که نیمی از آن را زنان تشکیل می‌دهند، نه تنها توانست قدرت خود را در مناطق مختلف کردی، همزمان با عقب‌نشینی نیروهای نظام حاکم تثبیت کند؛ بلکه در جنگ‌های مختلف با گروه‌های تروریستی، از جمله داعش کارآمدی خود را به خوبی نشان داد. همین مسئله جایگاه ویژه‌ای را به حزب اتحاد دموکراتیک در مناطق کردی سوریه بخشید و باعث شد نسبت به سایر تشکل‌های سیاسی کرد سوریه، دست بالا را داشته باشد و به مرور زمان دولت خودگردان را با نقش آفرینی خود و حذف رقیب کردی اعلام کند.

کردهای YPG به منظور تثبیت موقعیت خود در مناطق مختلف، سیاست سرکوب را در قبال عرب‌ها و کردهای معارض دنبال و سعی کردند با اتکا بر زور، سیطره خود را در مناطق مختلط جمعیتی، گسترش دهند.

حزب اتحاد دموکراتیک جدا از شاخه نظامی آن، یک نیروی پلیس منطقه‌ای موسوم به نام «آسایش» ایجاد و مدارس کردی را در سرتاسر منطقه جهت ارائه خدمات عمومی دایر کرده است. علاوه بر این، حزب اتحاد دموکراتیک در کنگره ملی کردستان که مقرر آن در بروکسل می‌باشد،

حضور چشمگیری دارد و توانسته است در مجامع بین‌المللی خود را به عنوان نماینده واقعی کردهای سوریه معرفی کند.

اعلام برپایی دولت خودگردان کردی

پیش از اعلام برپایی دولت خودگردان در مناطق کردنشین سوریه، شوراها محلی همزمان با خروج نیروهای دولت مرکزی، مدیریت این منطقه را بر عهده داشتند و سه شاخه مهم احزاب کرد سوریه؛ شامل حزب اتحاد دموکراتیک، شورای میهنی کردهای سوریه و تشکل کردستان غربی، هیئتی به نام هیئت عالی کردهای سوریه با هدف انجام هماهنگی‌ها و حل اختلافات تشکیل داده بودند. با اعلام دولت خودگردان از سوی PYD، این مجلس عملاً کارکرد خود را از دست داد.

در ۱۲ نوامبر سال ۲۰۱۳ (۲۱ آبان ماه ۱۳۹۲)، حزب اتحاد دموکراتیک طی یک کنفرانس مطبوعاتی در شهر قامشلی، از طرح تشکیل دولت خودگردان و تشکیل هیئت قانونگذاری همزمان با تشکیل دولت انتقالی «ائتلاف مخالفان سوری» با نخست وزیر، احمد طمعه، خبر داد و اعلام کرد سه منطقه تخلیه شده از نیروهای سوری در جزیره، عین‌العرب و عفرین، به واسطه یک دولت موقت اداره خواهد شد. این روند ادامه پیدا کرد تا اینکه حزب اتحاد دموکراتیک بار دیگر در ۲۱ ژانویه سال ۲۰۱۴ (۱ بهمن ماه ۱۳۹۲)، در شهر عامودا، همزمان با برگزاری مذاکرات ژنو ۲ و عدم دعوت از این حزب در مذاکرات، اعلام کرد که از این پس مناطق تحت کنترل خود را به صورت مستقل و تحت عنوان کانتون با ۲۲ هیئت و وزارتخانه اداره خواهد کرد.

استراتژی حزب اتحاد دموکراتیک (PYD) و شاخه نظامی آن (YPG)، تلاش برای برقراری اتصال و پیوستگی سه کانتون جزیره، عین‌العرب و عفرین به یکدیگر و تبدیل آن‌ها به یک سرزمین یکپارچه و منطقه خودگردان مستقل از دولت بود؛ اما در ماه ژانویه سال ۲۰۱۴ (بهمن ماه ۱۳۹۲)، عناصر داعش منطقه عین‌العرب را محاصره کردند و در نهایت عناصر YPG شاخه نظامی حزب اتحاد دموکرات موفق شدند در ۲۶ ژانویه ۲۰۱۵ (۶ بهمن ماه ۱۳۹۴)، محاصره این شهر را بشکنند.^۱

تشکیل نیروهای دموکرات سوریه (قسد)

نیروهای دموکرات سوریه (SDF) که به آن نیروهای دفاع خودگردان یا (QSD) نیز گفته می‌شود، ائتلافی از نظامیان کرد، عرب، سریانی، ارمن و ترکمان است که تاریخ تأسیس آن به اکتبر سال ۲۰۱۵ (۹ مهر ماه ۱۳۹۴)، طی یک کنفرانس مطبوعاتی در شهر مالکیه واقع در استان حسکه باز می‌گردد. در ارتباط با چرایی تشکیل نیروهای دموکرات سوریه (قسد)، ذکر این نکته ضروری است

۱. آکراد سوریا ومساعی إعلان الحکم الذاتی، پایگاه خبری الجزیره، قابل بازیابی در آدرس زیر:

که بعد از آنکه نیروهای نظامی YPG کارآمدی خود را در جنگ‌های اولیه علیه داعش نشان داده و به صورت یک نیروی نظامی منسجم و کارآمد ظاهر شدند، آمریکا و غرب حساب ویژه‌ای روی این گروه باز کرده و تصمیم گرفتند از این گروه به عنوان نیروهای پیاده نظام خود و همچنین بستری برای تقویت حضور و نفوذ خود در منطقه شرق فرات سوریه بهره جویند؛ اما به دنبال راهکاری برای مهار مخالفت‌های ترکیه و حساسیت‌های آن در قبال شاخه نظامی حزب اتحاد دموکراتیک (YPG) بودند. بر همین اساس، به سمت تشکیل یک ساختار جدید با محوریت و نقش آفرینی نیروهای وابسته به یگان‌های مدافع خلق و با حضور قومیت‌های مختلف، از جمله عرب، گام برداشتند. در واقع، آمریکا سعی نمود در ساختار نیروهای قسد، با شراکت عناصر عربی و اختصاص بخش اعظم ساختار نیروها به عرب‌ها، به مقابله با حساسیت‌های ترکیه پردازد.

قسد بعد از اعلام تشکیل، مأموریت نخست خود را در راستای بیرون کردن عناصر داعش از استان رقه و دیگر مناطق شمال و شرق سوریه تعریف کرد. همزمان، وزارت دفاع آمریکا نیز در اکتبر ۲۰۱۵ اعلام کرد، عملیات پشتیبانی و حمایت از نیروهای دموکرات سوریه که به مبارزه علیه داعش می‌پردازند، شروع شده است و در این راستا، ضمن ارائه کمک‌های نظامی، به حمایت هوایی از عملیات زمینی قسد پرداختند و حتی مستشاران آمریکایی در راستای ارائه کمک‌های آموزشی و پشتیبانی اطلاعاتی، در موقعیت‌های تحت کنترل قسد نیز حضور یافتند. نیروهای دموکرات سوریه در پرتو حمایت‌های تسلیحاتی و هوایی ائتلاف توانستند جغرافیای تحت سیطره و کنترل خود را در منطقه شرق فرات گسترش دهند و به مرور زمان به بازیگر غالب در این منطقه تبدیل شوند.

ساختار تشکیلاتی قسد به گونه‌ای است که از دو یگان عمده موسوم به یگان‌های مدافع خلق (YPG) به فرماندهی «سییان حمو» و یگان‌های مدافع زن (YPJ) به فرماندهی «نسرین عبدالله» تشکیل می‌شود. در ذیل این دو یگان، شوراها، نظامی، اتاق‌های عملیات و نیروهای امنیتی تشکیل می‌شود که از جمله آنها می‌توان به شورای نظامی منبج، جرابلس، الباب، دیرالزور و شورای نظامی سریانی وابسته به حزب اتحاد سریانی (همسو با حزب کارگران کردستان) اشاره کرد.

هر چند ساختار تشکیلاتی و سازمان رزم نیروهای قسد به ظاهر یک ساختار فراقومیتی متشکل از عرب‌ها، کردها و ترکمن‌ها می‌باشد و بخش اعظم نیروهای آن را قوم عرب تشکیل می‌دهند؛ اما محوریت اصلی در نیروهای قسد در اختیار کردها و به‌طور خاص، شاخه نظامی حزب اتحاد دموکراتیک موسوم به (PYD) قرار دارد. تنوع قومیتی موجود در ساختار رزم این نیرو، پوششی برای پیشبرد اهداف حزب اتحاد دموکراتیک و مهار حساسیت‌های ترکیه و از طرف دیگر کمبود نیروی

انسانی کردی می‌باشد.^۱

تشکیل «مسد» به عنوان چتر سیاسی «قسد»

نیروهای دموکرات سوریه همزمان با تقویت بال نظامی خود، در مسیر تشکیل شاخه سیاسی نیز گام برداشتند. در این راستا، در دسامبر ۲۰۱۵ و طی برگزاری کنفرانس موسوم به سوریه دموکرات در شهر المالکیه در حسکه، از تشکیل شورای سوریه دموکرات موسوم به "مسد" با عضویت ۴۲ نفر از جریان‌ها، احزاب و شخصیت‌های سیاسی خبر دادند. اعضای اصلی مسد، شامل جریان «قمح» به ریاست «هیثم مناع»، تجمع عهد الکراره و الحقوق، احزاب اداره خودگردان دموکراتیک، ائتلاف ملی سوریه دموکراتیک، شوراهای منطقه الشهباء و نمایندگانی از ترکمان‌ها، آشوری‌ها، سریانی‌ها، ایزدی‌ها، عشایر عرب و همچنین شخصیت‌های مستقل می‌باشند.

شورای سوریه دموکرات موسوم به «مسد» که به عنوان چتر سیاسی نیروهای دموکرات سوریه قلمداد می‌شود، دو رئیس مشترک دارد، یکی «ریاض درار» و دیگری «الهام احمد»، عضو هیئت اجرایی جنبش جامعه دموکراتیک، که حزب اتحاد دموکراتیک (PYD) یکی از جریان‌های اصلی عضو آن می‌باشد. حضور ریاض درار در جایگاه ریاست مسد و برجسته‌سازی وی به عنوان یک شخصیت عربی در این ساختار، با هدف تقلیل حساسیت‌ها نسبت به نقش محوری کردها در ساختار مسد و ارائه چهره‌ای فراقومیتی از ساختار جدید کردها می‌باشد. پیشتر، هیثم مناع، رئیس جریان «قمح»، ریاست مشترک مسد را بر عهده داشت که در پی اعلام سیستم فدرالی از سوی کردها، ضمن اعلام مخالفت با این طرح، از شورای سوریه دموکرات (مسد) خارج شد.^۲

اعلام سیستم فدرالی - روزآوا

احزاب و جریان‌های وابسته به حزب کارگران کردستان سوریه و در رأس آنها حزب اتحاد دموکراتیک، طی نشستی در شهر رمیلان در استان حسکه در تاریخ ۱۷ مارس ۲۰۱۶ (۲۷ اسفند ماه ۱۳۹۴)، از برپایی فدرالیسم دموکرات در منطقه روزآوا (شمال سوریه) خبر دادند. این اقدام PYD با مخالفت گسترده‌ای در سطوح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی مواجه شد و نظام حاکم و همچنین معارضان سوریه به شدت با آن اعلام مخالفت کردند. حتی هیثم مناع نیز که پیش از این، در طرح خودمختاری کردها شرکت کرده بود، استعفای خود را در پی اعلام فدرالیسم کردهای پ.ک.ک اعلام کرد. علاوه بر این، حساسیت‌های ترکیه نسبت به این حزب و اهداف آن به شدت افزایش پیدا کرد؛ تا جایی که

۱. من هی "قوات سوريا الديمقراطية"؟، پایگاه خبری روسیا الیوم، قابل بازیابی در آدرس زیر:

<https://arabic.rt.com/world/1050512>

۲. محاولات تشکیل مظلة سیاسیه جدیدة فی شرق الفرات الدوافع والتحديات، مرکز عمران للدراسات، قابل بازیابی در آدرس زیر: <https://www.omrandirasat.org>

مقامات نظامی - امنیتی ترکیه تنها راه چاره در مقابله با خودگرانی کردی و همچنین برهم زدن پیوستگی و اتصال سه کانتون جزیره، عین‌العرب و عفرین را در انجام عملیات نظامی با هدف ایجاد گسست در بین این کانتون‌ها دانستند. بر همین اساس، ارتش ترکیه در سال ۲۰۱۶ عملیات سپر فرات را با مشارکت گروه‌های ارتش آزاد و با هدف ایجاد گسست میان مناطق کردی، در دو قسمت شرق و غرب فرات، انجام دادند و بعد از گذشت ۷ ماه توانستند با حمله علیه مواضع داعش در این منطقه، آن را به اشغال خود درآورند. پس از آن در سال ۲۰۱۸ و در عملیات دیگری موسوم به شاخه زیتون، اقدام به اشغال منطقه عفرین کرده و نیروهای وابسته به خود را در آنجا مستقر کردند. اشغال منطقه عفرین ضربه محکمی به طرح خودگردانی کردهای سوریه وارد ساخت و آرمان آنها در ایجاد پیوستگی میان کانتون‌های جزیره، عین‌العرب و عفرین را با شکست مواجه کرد.^۱

تمرکز در منطقه شمال و شرق فرات

بعد از شکست شبه نظامیان کرد در ایجاد پیوستگی میان سه کانتون جزیره، عین‌العرب و عفرین، نیروهای دموکرات سوریه تمرکز خود را بر روی منطقه شرق فرات و به‌طور همزمان، منطقه منبج واقع در غرب فرات قرار دادند و با حمایت و پشتیبانی آمریکا در مسیر ایجاد و تقویت ساختارهای نظامی، سیاسی و امنیتی در منطقه شرق فرات گام برداشتند. البته کردها در این مسیر، دوران پرفراز و نشیبی را پشت سر گذاشتند و طی برهه‌های مختلف، به تناسب تقویت و یا تضعیف حمایت‌های آمریکا، به دنبال تثبیت موقعیت خود در این منطقه بودند تا بدین وسیله زمینه را برای دستیابی به خودمختاری ذاتی در آینده سیاسی سوریه فراهم سازند. البته طی یک برهه، بعد از آنکه کردها با افزایش فشارهای ترکیه در پرونده منبج و عقب نشینی نسبی آمریکا و توافق دو طرف بر سر راه‌اندازی گشتی‌های مشترک مواجه شدند، بر اهرم مذاکره با دمشق جهت اعلام فشار بر آمریکایی‌ها اتکا کردند. در این راستا، هیئتی از کردهای سوریه در ۲۷ جولای ۲۰۱۸ (۵ مرداد ۱۳۹۷)، تحت عنوان شورای دموکراتیک سوریه (مسد) به عنوان شاخه سیاسی نیروهای دموکراتیک سوریه (SDF)، جهت مذاکره با نظام وارد دمشق شدند؛ اما زیاده‌خواهی کردهای سوریه و عدم جدیت آنها در بازگشت به سمت نظام حاکم، منجر به شکست این مذاکرات در آن برهه زمانی شد. در برهه‌ای دیگر و پس از آنکه ترامپ از خروج نیروهای آمریکایی از شرق فرات خبر داد، کردهای سوریه به شدت احساس نگرانی کردند؛ اما عقب‌نشینی ترامپ در انجام این اقدام اعتماد دوباره‌ای به کردها بخشید و بار دیگر بر اهرم بازدارندگی حضور نیروهای آمریکایی در کنار خود در ممانعت از حمله احتمالی ترکیه در آینده و یا حتی ارتش سوریه حساب باز کردند.

۱. اکراد سوریا ومساعی إعلان الحکم الذاتی، پایگاه خبری الجزیره، قابل‌بازایی در آدرس زیر: <https://www.aljazeera.net/news/reportsandinterviews/2016/6/17/>

مطالبات آینده کردها از زبان فرمانده قسد

در شرایط کنونی با توجه به موفقیت شبه نظامیان کرد (قسد) در سرکوب داعش و سیطره بر جغرافیای قابل ملاحظه در شرق فرات، مطالبات کردها همان گونه که از زبان «مظلوم عبدی» معروف به مظلوم کوبانی فرمانده (قسد) مطرح شده، بیش از هر چیزی در راستای به رسمیت شناختن اداره خودگردانی کردها در شمال و شرق فرات و مقابله با تمرکزگرایی نظام حاکم و همچنین ضرورت حفظ هویت خصوصی نیروهای دموکرات سوریه (قسد) و تضمین بقای آن به عنوان یک نیروی نظامی می باشد. در واقع، کردها با اتکا بر مطالبات جدید خود به هیچ عنوان خواستار بازگشت به شرایط و دوران پیش از ۲۰۱۱ نخواهند بود و در صورت حفظ ساختار خودگردانی در شمال و شرق سوریه، اداره این مناطق از سوی دولت مرکزی را آنطور که مظلوم کوبانی عنوان داشته است، خواهند پذیرفت.^۱

ذکر این نکته ضروری است که مناسبات کردهای سوریه با نظام حاکم، از ابتدای شروع بحران بر پایه توافق آغاز شد، بعد از مدتی این توافق به خصومت و حتی طی برهه ای کوتاه به درگیری نیز منجر شد؛ اما هیچ گاه مناسبات و روابط دو سویه قطع نگردید و همواره دو طرف در بسیاری از امور از جمله امنیت، اقتصاد، حمل و نقل و... با یکدیگر در ارتباط بودند و نوعی همزیستی مسالمت آمیز میان آنها حکم فرما بود. البته همزیستی کردها با نظام بیشتر جنبه تاکتیکی داشت و در نهایت نیز نشان دادند با افزایش قدرت نفوذ و بازیگری خود در منطقه شمال و شرق فرات، به دنبال تحمیل سیستم خودمختاری مرکزی بر دولت مرکزی می باشند.

رویکرد کردها بعد از حمله محدود ترکیه به شرق فرات

با وجود آنکه شبه نظامیان کرد موسوم به نیروهای دموکراتیک سوریه (قسد) پابندی خود را به سازکار امنیتی مشترک میان آمریکا و ترکیه نشان داده و بخش اعظم تونل ها و استحکامات خود را در مناطق مرزی سوریه؛ به طور خاص در مناطق حد فاصل میان تل ابیض و رأس العین، تخریب کردند و حتی موافقت خود را با عقب نشینی نیروها تا عمق ۹ تا ۱۵ کیلومتر اعلام کرده بودند، اما به طور غیرمنتظره ای با خبر عقب نشینی نیروهای آمریکایی از مناطق مرزی شمال سوریه مواجه شدند.

در پی اعلام عقب نشینی نیروهای نظامی آمریکا از مناطق مرزی شمال سوریه و به موجب آن، حمله نظامی ترکیه به این مناطق در حد فاصل دو منطقه تل ابیض و رأس العین در سال ۲۰۱۹ طی عملیات موسوم به چشمه صلح، نیروهای دموکراتیک سوریه (قسد) و شورای سوریه دموکراتیک (مسد)، ضمن محکومیت این حمله نظامی، اتحاد با آمریکا را غیر قابل اعتماد قلمداد کردند.

۱. العاصی، امین، قسد والتحالف الدولي: الشراكة مستمرة، قابل بازیابی در آدرس زیر:

نیروهای دموکراتیک سوریه طی بیانیه‌ای اعلام کردند، به رغم آنکه نیروهای ما تمامی تلاش خود را برای پایبندی به سازکار امنیتی مشترک میان آمریکا و ترکیه در تخریب تونل‌ها و استحکامات انجام دادند؛ اما نیروهای نظامی - امنیتی آمریکا به وظایف خود عمل نکرده و از مناطق مرزی با ترکیه خارج شدند. شورای سوریه دموکراتیک نیز در بیانیه‌ای اعتراض آمیز، رهاکردن کردها در شرایط کنونی را فاجعه‌بار تلقی کرد.

بعد از آغاز حمله ترکیه به این منطقه و اشغال دو منطقه تل ابیض و رأس العین از سوی نیروهای وابسته به این کشور، دو توافق ۱۳ ماده‌ای و ۱۰ ماده‌ای میان ترکیه، آمریکا و روسیه جهت توقف عملیات نظامی ترکیه در مناطق مرزی سوریه امضا شد؛ اما با وجود امضای این دو توافق همچنان حملات نظامی عناصر وابسته به ترکیه در این مناطق طبق گفته مظلوم عبادی به صورت نوبه‌ای ادامه دارد و بعد از امضای این دو توافق حدود ۱۸۲ نفر از عناصر شبه نظامی کرد کشته شدند.

هر چند بعد از حمله نظامی ترکیه به مناطق تحت سیطره قسد، نوعی تفاهم میان دولت سوریه و نیروهای قسد برای استقرار نیروهای ارتش در مناطق مرزی شرق فرات، خارج از منطقه عملیاتی موسوم به چشمه صلح (دو منطقه رأس العین و تل ابیض) شکل گرفت، اما کردها همچنان بر مطالبات خود، از جمله به رسمیت شناخته شدن قسد به عنوان یک نیروی نظامی مستقل و اداره خودگردانی و سیستم آموزشی در شمال و شرق فرات پافشاری می‌کردند.

مظلوم عبادی، فرمانده نیروهای قسد، توافق شکل گرفته میان دولت مرکزی و قسد را یک تفاهم قلمداد کرده که به موجب آن، نیروهای وابسته به دولت در دفاع از منطقه و مقابله با تجاوز ترکیه و عناصر وابسته به این کشور، در این منطقه مستقر شده‌اند و هیچ‌گونه تفاهمی در خصوص پیوستن و الحاق قسد به بدنه ارتش و نیروهای نظامی وجود ندارد و پیش از انجام هر اقدامی دولت مرکزی می‌بایست اداره خودگردانی، ساختار قسد و سیستم آموزشی را در این منطقه به رسمیت بشناسد.

نسبت قسد با دولت سوریه

روند روابط و تعاملات دولت سوریه با کردهای این کشور؛ به خصوص حزب اتحاد دموکراتیک که شبه نظامیان قسد نیز برخاسته از این حزب می‌باشند، تابعی از مناسبات دولت سوریه و ترکیه بوده است. دو کشور سوریه و ترکیه از همان بدو تأسیس بر سر کیفیت تعیین مرزهای خود، همواره دارای روابط تنش‌آلودی بوده‌اند. بودن سرچشمه‌های دو رود مهم و حیاتی برای سوریه؛ یعنی دجله و فرات در ترکیه، نیز یکی دیگر از مسائل تنش‌زای بین دو کشور بوده است. به همین دلیل همواره دو کشور خواسته‌اند تا از عوامل و ابزارهای مختلف برای تعدیل سیاست خصمانه طرف مقابل استفاده کنند. کردها یکی از این ابزارهای فشار بوده که دولت سوریه سعی داشته است در طول



دهه‌های اخیر از آن به عنوان یک برگ برنده علیه ترکیه استفاده کند.

در برهه‌هایی از زمان که تنش میان ترکیه و سوریه به اوج می‌رسید، دولت سوریه پایگاه‌ها و امکانات نظامی و حمایتی قابل توجه‌تری را در اختیار پ.ک.ک قرار می‌داد و عبدالله اوجالان تا پیش از دستگیری‌اش سال‌ها در سوریه زندگی می‌کرده است. از این رو، منطقه کردنشین سوریه به طور طبیعی به حوزه نفوذ و تأثیرگذاری پ.ک.ک تبدیل گردید. وضعیتی که تا به امروز نیز همچنان ادامه دارد و اینک بزرگ‌ترین حزب کردنشین آن در اصل یک شاخه از پ.ک.ک محسوب می‌شود.

همزمان با شروع بحران در سوریه، نظام حاکم به منظور ممانعت از گسترش دامنه معارضین و به تبع آن، جبهه‌های درگیری و کنترل بزرگترین اقلیت قومی در شرق فرات، سعی نمود با اتکا بر سیاست تعامل و همزیستی با کردهای این منطقه و میدان دادن به حزب اتحاد دموکراتیک زمینه را برای سیطره و کنترل نیروهای نظامی وابسته به این حزب در مناطق کردنشین فراهم سازد.

هر چند کردهای سوریه بعد از گسترش سیطره خود بر مناطق کردی، در مسیر برقراری سیستم خودمختاری ذاتی در پرتو هم‌پیمانی با آمریکا گام برداشتند، اما روابط دولت مرکزی با کردها در وضعیت نه جنگ و نه صلح برقرار بوده است. البته طی برخی دوره‌ها درگیری‌هایی نیز به صورت محدود و گاه شدید میان دو طرف اتفاق افتاده است، اما هیچ یک از این درگیری‌ها منجر به تغییر ماهیت روابط کردها با دمشق و حرکت به سمت خصومت مطلق نشده و حتی در برخی از دوره‌ها، زمینه برای برقراری مذاکره و گفتگو میان دمشق و سران قسد فراهم شده است.

حملات گاه و بی‌گاه و نوبه‌ای ترکیه علیه مواضع و موقعیت‌های قسد در منطقه شرق فرات، به‌خصوص دو حمله موسوم به شاخه زیتون و چشمه صلح، زمینه‌ساز شکل‌گیری مذاکرات میان قسد و دمشق بوده است. بعد از عملیات شاخه زیتون و اشغال منطقه کردی عفرین، یک هیئت از مقامات کردی وارد دمشق شدند و در خصوص مسائل سیاسی و نظامی، از جمله سرنوشت مناطق تحت کنترل کردها و اعاده حاکمیت دمشق بر این مناطق و تسهیل ورود نیروهای ارتش سوریه به شرق فرات و فعالیت نهادهای دولتی در آنجا در مقابل به رسمیت شناختن کردها در قانون اساسی سوریه و اعطای حقوق فرهنگی به آنها بحث و گفتگو کردند. در همان دوران، شورای دموکراتیک سوریه موسوم به مسد (شاخه سیاسی قسد) اعلام کرد که در جریان مذاکرات با دولت سوریه بر سر تشکیل کمیته‌هایی برای انجام گفتگو جهت پایان دادن به جنگ و نیز ترسیم نقشه راهی برای نیل به سوریه دموکراتیک و تمرکززدایی به توافق رسیده است. البته این دور از مذاکرات به علت وجود اختلافات و همچنین عدم جدیت کردها در رسیدن به توافق با دمشق به نتیجه نرسید. بار دیگر مذاکراتی میان دو طرف با میانجیگری روس‌ها شکل گرفت، اما این دور از مذاکرات نیز به مانند مذاکرات نخست با شکست مواجه شد. روس‌ها سعی داشتند شرایط را به سمت ادغام نیروهای

قسد در نیروهای دولت سوریه سوق دهند؛ موضوعی که کردها از همان ابتدا به‌ویژه در دورهای نخست مذاکرات سرسختانه با آن مخالفت کردند.

در ارتباط با پیوستن و الحاق شبه‌نظامیان قسد به بدنه نیروهای نظامی دولت سوریه، «صالح کدو»، یکی از برجسته‌ترین مذاکره‌کنندگان هیئت احزاب وحدت ملی کرد برای گفت‌وگوی کردها و دبیر حزب کردهای چپ دمکراتیک در سوریه، اظهار داشت که هیچ اتفاق جدیدی رخ نداده و اینکه برخی اطلاعات که از طریق رسانه‌ها منتشر می‌شود دقیق نیست و نظام سوریه هنوز با ذهنیت گذشته عمل می‌کند، که این وضعیت نمی‌تواند به حل بحران‌های عمیق کمک کند. کدو در مصاحبه با العربی الجدید در مورد شایعات مربوط به موافقت قسد برای پیوستن به ارتش سوریه گفت که این اطلاعات فاقد اعتبار است. کدو موضوع پیشنهاد روسیه برای پیوستن قسد به نیروهای نظام سوریه را انکار یا تأیید نکرد، اما اعلام کرد این موضوع برای مذاکره یا گفت‌وگو با رهبران کرد مطرح نشده است.

در شرایط فعلی، نیروهای دموکرات سوریه (قسد) با گسترش مناطق تحت سیطره خود در شرق فرات و دستیابی به چاه‌های نفت و گاز در این منطقه و در پرتو حمایت و پشتیبانی آمریکا، به دنبال تثبیت سیستم خودگردانی کردی در مناطق شرق فرات هستند، اما در این مسیر با چالش مشروعیت مردمی در این مناطق که دارای بافت قبیله‌ای و عشیره‌ای است، مواجه می‌باشند و بر همین اساس با برگزاری کنفرانس و نشست با عشایر به دنبال جلب حمایت آنها می‌باشند. برگزاری کنفرانس «عین عیسی» از سوی نیروهای دموکرات سوریه، سطح تنش را میان دمشق و کردها افزایش داد؛ تا جایی که دولت مرکزی این اقدام را یک خیانت تلقی کرد و روس‌ها نیز ضمن محکومیت برگزاری این کنفرانس، از تلاش آمریکا برای تشکیل یک شبه دولت در شرق فرات، همچون اقلیم کردستان عراق، ابراز نگرانی کردند. از این رو، در حال حاضر رقابت شدیدی میان دولت مرکزی با آمریکا و جبهه دموکراتیک سوریه برای جذب نیروهای عشایر در منطقه شرق فرات و به طور خاص استان دیرالزور شکل گرفته است.

قسد و آمریکا

دولت آمریکا در دوران «باراک اوباما» پیش از تمرکز بر منطقه شرق فرات و تکیه بر بازیگر بومی و کردی به عنوان نیروهای پیاده‌نظام ائتلاف موسوم به مبارزه علیه داعش، پروژه سرنگونی نظام بشار اسد را با تکیه بر آموزش، تسلیح و تجهیز نیروهای معارض عرب و عشایر محلی موسوم به ارتش جدید سوریه^۱ در کشور اردن دنبال می‌کرد، اما بعد از شکست سنگین این نیروها در جنگ علیه

داعش و افتادن سلاح آنها در دست این گروه تروریستی و موفقیت نظام حاکم سوریه در کسب پیروزی‌های بزرگ میدانی، از جمله پیروزی در حلب و تغییر معادله نظامی به نفع ارتش سوریه، استراتژی این کشور در راستای تمرکز بر منطقه شرق فرات و تکیه بر بازیگر کردی جهت انجام مأموریت‌های میدانی ائتلاف تعریف شد؛ به‌ویژه بعد از آنکه بازیگر کردی نتایج درخشانی در مقابله با داعش در پرونده عین‌العرب کسب کرد.

آمریکا با تکیه بر بازیگر بومی کردی و به‌طور خاص نیروهای موسوم به دفاع از خلق (YPG) یا همان شاخه نظامی حزب اتحاد دموکراتیک، سعی کرد جغرافیای تحت اشغال خود را در این منطقه در جنگ علیه داعش گسترش دهد تا بدین وسیله قدرت چانه‌زنی خود را در مراحل بعدی بحران سوریه افزایش داده و از طرف دیگر، از حضور خود در این منطقه به‌عنوان اهرمی برای اعمال فشار بر نظام حاکم و مقابله با نفوذ جمهوری اسلامی بهره جوید. در واقع، آمریکا در راستای راهبرد تأمین امنیت رژیم صهیونیستی در خاورمیانه، سعی کرد با تقویت حضور خود در منطقه شرق فرات، مانع تحقق پیوستگی و اتصال سرزمینی عراق و سوریه و تمرکز نیروهای مقاومت در این نقطه شده و با تهدیدات امنیتی رژیم صهیونیستی در سطح عملیاتی مقابله کرده و در نهایت زمینه را برای تحدید قدرت ایران فراهم کند که تا کنون در تحقق این هدف ناتوان بوده است.

مقامات امنیتی رژیم صهیونیستی نیز در پی شکست راهبرد آمریکا در سرنگونی نظام بشار اسد و در پی آن حضور نیروهای مقاومت در کنار مرزهای این رژیم، همه تلاش خود را برای استفاده از ظرفیت‌های آمریکا در راستای مقابله با نفوذ ایران و ممانعت از تداوم اتصال سرزمینی محور مقاومت (ایران - عراق - سوریه - لبنان) به کار گرفته و بر همین اساس، اولویت اصلی خود در شرق سوریه را مقابله با نفوذ ایران و قطع پیوستگی جغرافیایی میان عراق و سوریه تعریف کردند.^۱

آمریکا در قالب هم‌پیمانی با کردهای سوریه و تشکیل ساختار نظامی موسوم به «نیروهای دموکراتیک سوریه» توانست طی سال‌های گذشته بیش از یک سوم جغرافیای سوریه را تحت کنترل خود در آورده و همه تلاش خود را برای تثبیت سیستم خودگردانی محلی در مناطق تحت سیطره کردها با هدف ممانعت از بازگشت دیگر بازیگران به کار گیرد. اگرچه آمریکا از همان ابتدا با توجه به اینکه کردهای سوریه از لحاظ تشکیلاتی و سازمانی وابسته به حزب کارگران کردستان

۱. وزیر اطلاعات رژیم صهیونیستی در اوایل سال ۱۳۹۶، در دیدار با مقامات دولتی و کنگره آمریکا، طرحی ۵ ماده‌ای علیه ایران ارائه کرده و خواستار توافق دو کشور در اجرای مفاد آن شده است. مواد این طرح شامل به رسمیت شناختن حاکمیت اسرائیل بر بلندی‌های جولان، مخالفت با حضور نظامی دائم ایران در سوریه، اعمال تحریم‌های تازه علیه ایران با هدف قطع مداخله نظامی ایران و توقف حمایت مالی و نظامی از حزب الله و دیگر گروه‌ها، تشدید تحریم‌ها علیه حزب الله با هدف تضعیف آن، و در نهایت تعیین راهکارهای اقدام مشترک (آمریکایی - اسرائیلی) با هدف مقابله با اتصال سرزمینی محور مقاومت (از ایران تا لبنان) بود که در بند پنجم آن به‌صراحت عنوان شده، یکی از اهداف مشترک دو طرف، تلاش برای قطع پیوستگی جغرافیایی سوریه و عراق است.

(پ.ک.ک) بودند، با مانع بزرگی به نام ترکیه مواجه شده و بر همین اساس استراتژی دوگانه‌ای را در تعامل با کردها و ترکیه در پیش گرفت.

مقامات نظامی آمریکا با تزریق عناصر عرب و مسیحی به بدنه شبه‌نظامیان کرد (نیروهای دمکراتیک سوریه) از یک‌سو سعی کردند برای مهار حساسیت‌های ترکیه، ماهیت چند قومیتی به این گروه نظامی داده و از طرف دیگر سعی داشتند با تزریق عناصر عرب به بدنه این گروه نظامی، حساسیت گروه‌ها و عشایر عربی ساکن در شرق فرات را کنترل کرده و زمینه را برای پذیرش حاکمیت این گروه در مناطق عرب‌نشین آماده سازند. در لایحه بودجه وزارت دفاع آمریکا در سال ۱۳۹۸، پنتاگون تصمیم به پرداخت حقوق و دستمزد به ۱۰ هزار نیروی عرب گرفته و برای آنها بر اساس نوع مسئولیت بین ۱۰۰ تا ۴۰۰ دلار حقوق ماهیانه مقرر کرد که در مجموع معادل ۳۰ میلیون در سال بود. پنتاگون تا پایان سال ۱۳۹۸ تعداد عشایر حقوق‌بگیر در ساختار نیروهای دمکراتیک را از ۱۰ هزار نفر به ۲۴ هزار نفر افزایش داد.

وزارت دفاع آمریکا در سال مالی ۱۳۹۹، میزان نیازمندی خود به نیروهای عرب در منطقه جزیره را حدود ۶۰ هزار نفر اعلام کرده، اما پس از سازماندهی هنگ‌های جدید در چارچوب شکل‌گیری شوراهای نظامی منطقه‌ای (مجالس عسکریه)، وزارت دفاع در لایحه بودجه تقدیمی به کنگره برای سال مالی ۱۳۹۹، تعداد نیروهای حقوق‌بگیر از ائتلاف را به ۱۸ هزار نفر کاهش داده و در مجموع ۴۸ میلیون دلار برای تأمین مالی این بخش درخواست بودجه کرد. وزارت دفاع طی سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ به منظور آموزش و تأمین تسلیحات و مهمات عناصر عرب، معادل ۳۰۰ میلیون دلار بودجه درخواست کرده بود.

قسد و روسیه

در نگاه سران و رهبران بلند پایه روسیه از جمله شخص پوتین، آمریکا به عنوان رقیب استراتژیک روسیه در پرونده سوریه قلمداد می‌شود؛ لذا می‌بایست در مسیر مهار این کشور و طرح‌ها و برنامه‌های آن که در تضاد با منافع و راهبردهای روسیه در سطح منطقه‌ای و به‌طور خاص در پرونده سوریه قرار دارد، گام برداشت. روس‌ها با حضور در سوریه به دنبال مقابله و مهار طرح آمریکا در این کشور که بر پایه مدیریت بی‌ثباتی و ناامنی قرار داشت، بودند و در نهایت موفق شدند با تغییر معادله نظامی - امنیتی به نفع نظام حاکم و شکست گروه‌های تروریستی، این طرح را خنثی ساخته و از سرایت آن به مناطق آسیای مرکزی و قفقاز و در نهایت روسیه جلوگیری کنند.

بعد از آنکه آمریکا تمرکز خود را بر روی منطقه شرق فرات با تکیه بر بازیگر محلی کرد قرار داد، روسیه نیز ضمن ابراز حساسیت به طرح‌ها و برنامه‌های آمریکا در این منطقه، مخالفت خود را

با ساختارسازی آمریکا در این منطقه و اتکا بر ابزار کردی در مدیریت تحولات سوریه اعلام نمود و بر اعاده حاکمیت دمشق برای این منطقه تأکید کرد. در این راستا، سرگنی لاوروف، وزیر خارجه روسیه اقدامات آمریکا در منطقه شرق فرات را نقض حاکمیت سوریه تلقی کرده و نسبت به ایجاد ساختارهای شبه دولتی در این منطقه و استفاده از کارت کردی به عنوان یک ابزار با هدف کارشکنی در فرایند مذاکرات آستانه و سوچی هشدار داده است.

علاوه بر این، در پی برگزاری نشست عین عیسی میان کردها و عشایر سوریه، وزارت خارجه روسیه ضمن محکوم کردن این نشست، نسبت به تلاش آمریکا برای حضور بلندمدت در سوریه در پرتو ایجاد یک ساختار شبه دولتی در شرق فرات ابراز نگرانی کرد. وزیر خارجه روسیه نیز در واکنش به این نشست و تلاش آمریکا در حمایت از کردها گفت: «ما تردید داریم که آمریکا بخواهد مدت طولانی در آنجا بماند، بهتر است بگوییم برای همیشه می خواهد در این کشور بماند.»

به طور کلی، موضع روسیه نسبت به ساختارسازی آمریکا در منطقه شرق فرات و استفاده آمریکا از ابزار کردی با هدف پیشبرد منافع خود در تحولات سوریه و تلاش برای تداوم حضور در این منطقه یک موضع تقابلی می باشد و در واقع، آن چیزی که بیش از همه روس ها را نگران می کند، ارتباطات تنگاتنگ کردها با آمریکا و وابستگی آنها به این کشور است. روس ها معتقدند این وابستگی، ناخواسته آنها را در مسیری قرار خواهد داد که تنها عامل آمریکا بودن، دستاورد کردها خواهد بود؛ به خصوص با توجه به اینکه نیروهای قسد به عنوان یک نیروی تولیدی آمریکا تلقی می شوند.

قسد و ترکیه

کشور ترکیه، از زمان شروع بحران در سوریه، راهبردهای متعددی را در مسیر تحقق اهداف و برنامه های خود در کشور سوریه پیاده سازی کرد. این کشور در سال های اولیه بحران سوریه و پیش از آزادسازی حلب، حمایت همه جانبه از جریان های اخوانی و گروه های تروریستی و ساماندهی آنها با هدف سرنگونی نظام بشار اسد و تلاش برای روی کار آمدن دولتی سنی با ایدئولوژی اخوانی را در صدر اهداف خود قرار داده بود، اما گذر زمان نشان داد هیچ یک از ایده ها و طرح های ترکیه برای اینده سوریه محقق نشده اند و حتی کنترل و مدیریت شرایط نیز تا حد زیادی از دست آنکارا خارج شده است و با چالش های مختلفی در داخل و خارج، از جمله سیل پناهندگان سوری به سمت مرزهای ترکیه و قدرت گرفتن کردهای سوریه همزمان با ناآرام شدن شهرهای سوریه و در پی آن حملات پی در پی اعضای پ ک ک به شهرهای مختلف ترکیه مواجه شدند.

قدرت یافتن حزب اتحاد دموکراتیک (PYD)، شاخه سوری پ.ک.ک، در جوار مرزهای ترکیه طی سال های شروع بحران در سوریه، به یکی از اصلی ترین نگرانی ها و دغدغه های مقامات سیاسی و



امنیتی ترکیه تبدیل شد؛ لذا دولت ترکیه بعد از قدرت گرفتن نیروهای مسلح پ.ک.ک در شمال سوریه و سیطره آنها بر سه کانتون جزیره (شامل شهرهای مالکیه، قامشلی، حسکه، راس العین، تل ابیض)، عین العرب و عفرین و تلاش کردها برای ایجاد پیوستگی و اتصال میان این سه کانتون، یکی از اولویت‌های اصلی خود را در راستای مقابله با تهدید امنیتی کردهای سوریه در مرزهای شمالی سوریه تعریف کردند. ترکیه در این راستا، دو عملیات سپر فرات و شاخه زیتون را با محوریت نیروهای معارض عرب در بخش غربی رود فرات با هدف ایجاد شکاف میان کانتون‌های کردی در شمال سوریه انجام دادند و کانتون عفرین در شمال غرب سوریه را نیز تحت اشغال خود درآوردند.

همزمان با گسترش قلمرو جغرافیایی نیروهای قسد و سیطره کامل آنها بر منطقه شرق فرات، ترکیه با برجسته‌سازی تهدید امنیتی کردی در این منطقه، به دنبال اجرای تاکتیکی شبیه به غرب فرات در منطقه شرق فرات بود و سعی داشت با تکیه بر نیروهای معارض عربی وابسته به خود عملیاتی را در این منطقه انجام دهد که با مخالفت آمریکا مواجه شد اما در پی افزایش سطح تهدید ترک‌ها در انجام این عملیات، آمریکا سعی نمود با اتخاذ تاکتیک‌های مختلف؛ از جمله اعلام عقب‌نشینی از شرق فرات و پیشنهاد ایجاد منطقه امن و در نهایت تشکیل مرکز عملیات مشترک با حضور عناصر آمریکایی و ترکی، مقامات ترک را از حمله به این منطقه بازدارد، اما بعد از آنکه تلاش‌های ترکیه برای شکل‌گیری یک توافق بین‌المللی و ایجاد منطقه امن در مرزهای خود با سوریه در پرتو ایجاد مرکز عملیات مشترک با آمریکا بی‌نتیجه ماند، مقامات نظامی - امنیتی ترکیه در پی عقب‌نشینی نیروهای آمریکایی از مرزهای شمالی سوریه با تکیه بر نیروهای پیاده نظام موسوم به ارتش ملی عملیات نظامی خود را با عنوان چشمه صلح در مناطق حدفاصل رأس العین تا تل ابیض به طول ۱۲۰ کیلومتر با هدف مقابله با نیروهای دمکرات سوریه (قسد) و تخلیه این منطقه از سلاح‌های سنگین و در نهایت زمینه‌سازی برای بازگشت آوارگان سوری آغاز کردند.

حمله نظامی ترکیه با مخالفت‌هایی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی مواجه شد؛ تا جایی که در نهایت و در پی فشارهای بین‌المللی، دو توافق میان این کشور با آمریکا (۱۳ ماده‌ای) و روسیه (توافقی ۱۰ ماده‌ای) به امضا رسید و به موجب آن، هر دو طرف روسی و آمریکایی متعهد شدند با توقف عملیات ترکیه، نیروهای دموکراتیک سوریه (قسد) از مناطق مرزی به عمق ۳۰ کیلومتر دور شوند. به موجب این دو توافق، ترکیه عملیات نظامی خود را در شمال سوریه متوقف نمود؛ اما بعد از گذشت چند روز از امضای این دو توافق نامه و پایان مهلت آمریکا و روسیه در دور کردن شبه نظامیان کرد از مناطق مرزی، رئیس‌جمهور ترکیه طی یک سخنرانی این دو کشور را متهم به عدم اجرای تعهدات خود بر اساس توافق



امضا شده نمود و بار دیگر تهدید به استمرار عملیات نظامی در این منطقه کرد.^۱

قسد و ایران

در پی وقوع بحران در سوریه در سال ۱۳۹۰، جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک بازیگر منطقه‌ای حامی نظام بشار اسد، وارد این کشور شد و در مسیر حمایت از نظام حاکم سوریه در عرصه‌های مختلف سیاسی، نظامی، امنیتی، اقتصادی و رسانه‌ای گام برداشت. جمهوری اسلامی در این مسیر به دنبال تحقق مجموعه‌ای از اهداف راهبردی از جمله بقای بشار اسد و حفظ سوریه در محور مقاومت و همچنین اتصال سرزمینی عراق با سوریه تا لبنان بود.

در حال حاضر و پس از گذشت هشت سال از بحران سوریه، بشار اسد، رئیس‌جمهور این کشور همچنان قدرت را در این کشور در اختیار داشته و این مسئله در نگاه اول بیانگر شکست دشمن در اجرای راهبردهای خود و پیروزی جمهوری اسلامی ایران یا به تعبیر دیگر محور مقاومت در عمل بخشیدن به راهبردهای خود در سوریه می‌باشد.

راهبرد جمهوری اسلامی در منطقه شرق فرات، بیش از هر چیزی حفظ اتصال سرزمینی عراق و سوریه از طریق گذرگاه بوکمال و در گام‌های بعدی مقابله با نفوذ و حضور آمریکا در منطقه شرق فرات و زمینه‌سازی برای خروج آن از این منطقه بوده تا به موجب آن، زمینه برای اعاده حاکمیت دمشق بر این منطقه فراهم شود. اعاده حاکمیت دمشق بر این منطقه، در پرتو همکاری و تعامل قسد با دولت محقق خواهد شد؛ اما حضور عناصر آمریکایی در این منطقه مانع بزرگی در این مسیر خواهد بود.

قسد و عشایر عرب شرق فرات

سوریه از نظر ساختار جمعیتی یک کشور عشایری و قومیتی است و عشایر عرب و سران آن نقش مهمی در آرامش و حفظ وحدت ملی سوریه دارند. عشایر سوریه، در سه استان رقه، حسکه و دیرالزور سکونت دارند؛ اما تمرکز عمده آنها در استان دیرالزور در دو کرانه غربی و شرقی رود فرات و رود خابور می‌باشد.

قبایل و عشایر ساکن در شرق فرات و به‌طور خاص استان دیرالزور از نقش و موقعیت ویژه‌ای در شکل‌دهی به تحولات و رویدادهای سیاسی - اجتماعی برخوردار هستند و بر همین اساس، عشایر این استان همواره و طی دوره‌های پیشین در مرکز اهتمام و توجه نظام حاکم قرار داشته‌اند. ریاست قبایل در مناطق شرق فرات در داخل یک یا چند خاندان متمرکز است که از آن به‌عنوان بیت المشیخه یاد می‌شود

۱. پایگاه خبری رویترز، قابل‌بازیابی در آدرس زیر:

<https://www.reuters.com/article/syria-security-ia4-idARAKBN1X117N>

و ریاست هر قبیله نیز موروثی بوده و منحصر به داخل خاندان ریاست است.

با شروع ناآرامی‌ها در سوریه و خروج نیروهای نظام از شرق فرات، انتظار می‌رفت عشایر و قبایل ساکن در این منطقه و به‌طور خاص استان دیرالزور، با تشکیل یک ساختار نظامی واحد و یکپارچه همانند کردها، در مسیر تأمین امنیت خود و همچنین امنیت منابع اقتصادی و نفتی موجود در استان‌های دیرالزور (کرانه شرقی رود فرات) و رقه گام بردارند، اما فقدان قدرت بسیج‌کنندگی در بین رئیس عشیره و به تبع آن چندصدایی در داخل یک عشیره، زمینه را برای اشغال این منطقه از سوی جبهه النصره و داعش و در نهایت قسد فراهم ساخت.

در شرایط فعلی، سطح تعامل و همکاری عشایر عرب منطقه شرق فرات با عناصر قسد بر پایه تأمین منافع امنیتی، اقتصادی و حتی سیاسی آنها از سوی قسد صورت می‌گیرد و با توجه به اینکه بخش اعظم عشایر منطقه شرق فرات از لحاظ مالی به نوعی به سیستم حکمرانی قسد وابسته‌اند؛ لذا به سمت اتخاذ رویکرد تعاملی با این گروه نظامی روی آورده‌اند.

البته نقش آمریکا و حضور عناصر نظامی آمریکا در این منطقه نیز، به عنوان یکی از مؤلفه‌های تاثیرگذار در همراهی عشایر عرب با عناصر قسد قلمداد می‌شود و حضور نظامی آمریکا در این منطقه نقش یک عامل بازدارنده را در برابر مخالفت‌ها و اعتراضات عشایر نسبت به سیستم حکمرانی قسد و عدم توزیع عادلانه و مناسب ثروت در این منطقه ایفا می‌کند. لذا می‌توان گفت، صرف نظر از عامل محرک مالی به عنوان یکی از مشوق‌های همراهی عشایر با قسد، بخش اعظم همراهی عشایر با عناصر قسد متأثر از حضور نظامی آمریکا و حمایت حداکثری نیروهای ائتلاف از عناصر قسد در برخورد با صداهای معترض در بین عشایر می‌باشد.

پیش‌ران‌ها و پس‌ران‌های الحاق قسد به دولت سوریه

پیش‌ران‌ها

در این بخش با در نظر گرفتن بازیگران بومی و غیر بومی و همچنین متغیرهای اثرگذار در منطقه شرق فرات (مناطق تحت حکمرانی قسد)، به پیش‌ران‌ها و پس‌ران‌های الحاق قسد به دولت سوریه اشاره می‌شود. تبیین فرصت‌ها و موانع تحقق الحاق قسد به دولت سوریه، چشم انداز روشنی را در تبیین این مسئله ترسیم می‌سازد.

۱. مخالفت بازیگران خارجی با خودمختاری کردها

روند تحرکات و فعالیت‌های فرماندهان و سران نظامی و سیاسی قسد در مناطق تحت حکمرانی آنها در شرق فرات بیانگر گرایش و تمایل آنها به سمت خودمختاری مرکزی در این منطقه می‌باشد و این در حالی است که هرگونه تلاش قسد برای گرایش به سمت خودمختاری با موانع و چالش‌های



عده‌ای در دو سطح داخلی و خارجی مواجه است که می‌توان آن را به عنوان پیش‌ران در روند الحاق قسد به دولت سوریه قلمداد کرد.

ترکیه به عنوان یکی از بازیگران اصلی دخیل در پرونده سوریه و به طور خاص منطقه شرق فرات با توجه به نقشی که از ابتدای شروع بحران در سوریه ایفا کرده، به شدت با هرگونه خودمختاری کردها در سوریه مخالف است؛ به خصوص با توجه به اینکه ترکیه نسبت به تبعات و پس لرزه‌های این مسئله بر روی ۱۳ میلیون شهروند کرد ترکیه حساسیت دارد. از سوی دیگر نظام سوریه نیز به منظور مهار ترکیه و رفتارهای خصمانه آن، هرگز اجازه خودمختاری کردها را در این منطقه نخواهد داد و جریان معارضه سوری نیز بارها مخالفت خود را با هرگونه خودمختاری مناطق کردی اعلام کرده‌اند.

جمهوری اسلامی ایران نیز با توجه به اهمیت استراتژیک منطقه شرق فرات و نقش در آن پیوستگی جغرافیایی عراق و سوریه هرگز با خودمختاری کردهای سوریه در این منطقه موافقت نمی‌کند؛ به‌ویژه با توجه به اینکه کردهای سوریه و نیروهای دموکرات سوریه طی سال‌های گذشته از یک روابط نزدیک و تنگاتنگ با آمریکا برخوردار بوده‌اند و تشکیل هرگونه خودگردانی در این منطقه با منافع بلندمدت جمهوری اسلامی ایران در تعارض قرار خواهد گرفت.

از سوی دیگر، ارتباطات تنگاتنگ کردها با آمریکا و وابستگی آنها به این کشور، منجر به حساسیت روس‌ها و مخالفت آنها با سیستم خودگردانی در آینده خواهد شد. در واقع، حساسیت روسیه بیشتر متوجه وابستگی بیش از حد کردها به آمریکا است و معتقدند این وابستگی، ناخواسته آنها را در مسیری قرار خواهد داد که تنها عامل آمریکا بودن دستاورد کردها خواهد بود؛ به‌ویژه با توجه به اینکه نیروهای قسد به‌عنوان یک نیروی تولیدی آمریکا تلقی می‌شوند. البته همین مسئله، خط قرمز جمهوری اسلامی و نظام سوریه نیز خواهد بود.

هر چند آمریکا با ایجاد زیرساخت‌های نظامی و سیاسی در منطقه شرق فرات به دنبال ایجاد یک منطقه کاملاً مستقل و اقلیم‌سازی جدید با محوریت کردها می‌باشد و کردهای سوریه نیز تا زمانی که از پشتوانه حضور آمریکا در منطقه شرق فرات بهره‌مند هستند، حاضر به عقب‌نشینی از مطالبه خودمختاری و بازگرداندن کنترل مناطق تحت اختیار خود به حکومت مرکزی نخواهند بود، اما خودگردانی کردها، با موانع بزرگی همچون روسیه، ترکیه و جمهوری اسلامی ایران مواجه خواهد شد. همین امر، احتمال تحقق آن را کاهش می‌دهد و از طرف دیگر زمینه و بستر لازم را برای هدایت کردها و قسد به سمت دولت مرکزی فراهم می‌سازد. البته با توجه به کارنامه خوب و قابل قبولی که نیروهای قسد در جنگ با داعش و گروه‌های افراطی از خود به جای گذاشتند، احتمال اینکه شرایط به قبل از ۲۰۱۱ نیز بازگردد، بسیار کم است و لذا انتظار می‌رود کردهای سوریه

به خودمختاری محدود اداری یا به تعبیر دیگر لامرکزی اداری که قدرت محدودتری در مقایسه با خودمختاری دارد، دست یابند.

۲. مخالفت بازیگران داخلی با خودمختاری کردها

عشایر عربی ساکن مناطق شرق فرات مانع بزرگی در برابر تحقق خودمختاری ذاتی کردها در این مناطق خواهند بود و این عشایر که تحت تأثیر ترکیه، جمهوری اسلامی و تا حد زیادی نظام حاکم قرار دارند، هرگز به حاکمیت کردها در مناطق خود تن نخواهند داد و در حال حاضر نیز نیروهای دموکرات سوریه (قسد) در پرتو حضور آمریکا و حمایت و پشتیبانی آن و با تکیه بر سیاست سرکوب، زمینه را برای حاکمیت خود در این مناطق فراهم کرده‌اند. به یقین با خروج آمریکا و کاهش نفوذ و حضور آن در این مناطق، کردها با چالش بزرگ عشایر عرب مواجه خواهند شد؛ به خصوص با توجه اینکه از هیچ تلاشی برای سرکوب عشایر عرب و همچنین تغییر بافت جمعیتی مناطق تحت کنترل خود و مهاجرت اجباری ساکنین اصلی آن و الزام خدمت سربازی برای قبایل عرب فروگذار نکرده‌اند.

در شرایط فعلی هر چند شبه نظامیان قسد توانسته‌اند با اتکا به شوراهای محلی و برخورداری از حمایت آمریکا، حاکمیت خود را در مناطق عشایری حفظ کنند، اما در بلندمدت قطعاً میان ساختار سیاسی کردی و ساختار سنتی قبیله‌ای عرب تقابل ایجاد خواهد شد و این امر تا حد زیادی منوط به بازگشت بخش اعظم جمعیت عرب، قوام یافتن عشیره و کاهش حضور و نفوذ آمریکا در این منطقه می‌باشد؛ زیرا حاکمیت کردها در این منطقه، قائم به حضور آمریکا است و هر اندازه حضور آمریکا در شرق فرات تضعیف شود، به همان اندازه پشتوانه نظامی، لجستیکی، بین‌المللی و سیاسی قسد نیز با کاهش مواجه خواهد شد، به خصوص با توجه به اینکه کردها در منطقه شرق فرات اقلیت هستند و اکثریت جمعیت این منطقه را عرب‌ها تشکیل می‌دهند.

عشایر و قبایل منطقه شرق فرات از زمان به قدرت رسیدن شبه‌نظامیان کرد در این منطقه، نسبت به ناکارآمدی ساختار نظامی و سیاسی با محوریت و کنشگری کردها و نوع تعامل آنها با عشایر عرب این منطقه ناراضی بوده‌اند. اوضاع نابسامان معیشتی در مناطق سکونت عشایر عرب و کمبود خدمات اجتماعی و رفتار تبعیض‌آمیز کردها در تعامل با آنها زمینه‌ساز شکل‌گیری حرکت‌های اعتراض‌آمیز از سوی عشایر شده است و همین مسئله نوعی بی‌ثباتی را در مناطق تحت سیطره قسد ایجاد می‌کند.

بخش عمده اعتراض عشایر به الگوی رفتاری کردها، نابسامانی وضعیت معیشتی و خدماتی و همچنین بی‌عدالتی آنها در توزیع ثروت و درآمدهای حاصل از فروش نفت و گاز و عدم اعطای



پست‌های نظامی و سیاسی به شیوخ قبایل و عشایر باز می‌گردد. همین امر امکان تکیه بر عشایر و محوریت بخشی به آنها را در منطقه شرق فرات تقویت می‌کند. بر اساس گزارش‌های منابع میدانی، تنها ۲۰ درصد جامعه به لحاظ روانی و پرداخت دستمزد و پول به کردها وابسته بوده و ۸۰ درصد دیگر با مشکلات متعدد اقتصادی دست‌وپنجه نرم می‌کنند.

اعطای وعده‌های مالی و پولی به عشایر این منطقه و برخورداری آنها از سهم فروش انرژی در این منطقه، در صورت اعاده حاکمیت دمشق بر آن، امکان جذب حداکثری عشایر و تحریک آنها به کنشگری در این منطقه را افزایش می‌دهد؛ به‌ویژه با توجه به اینکه در شرایط کنونی، مناطق عرب‌نشین دچار مشکلات اقتصادی بوده و شیوخ قبایل پول و بودجه لازم برای کنترل عشیره و قبیله خود را در اختیار ندارند.

بنابراین، اختلافات میان عرب‌های عشایر شرق فرات و کردهای نیروهای دمکراتیک موسوم به شبه‌نظامیان قسد را می‌توان به‌عنوان یکی از عوامل پیش‌ران اصلی در گرایش کردها به سمت دولت سوریه قلمداد کرد. این اختلاف و شکاف میان دو بازیگر اصلی بومی در این منطقه، خود بسترساز اعتراض و شورش عشایر علیه کردها می‌باشد، اما این اعتراض به علت وجود متغیر آمریکا در این منطقه و همچنین عدم انسجام شیوخ و سران قبایل و عشیره با چالش مواجه است.

با وجود آن که این اختلافات و شکاف‌ها با تکیه بر ابزار قدرت و زور به‌صورت موقت مهار و کنترل شده، اما همچنان به‌عنوان یک ظرفیت و بستر به شمار رفته و با فعال‌سازی این شکاف امکان بهره‌مندی و استفاده حداکثری از آن وجود دارد. هر نوع حمایت و پشتیبانی از عرب‌های این منطقه، چه در قالب فرد، گروه یا عشیره و خاندان، به دلیل وجود عصبیت عربی و نگاه منفی آنها به کردها و رفتار تبعیض‌آمیز و مبتنی بر نژاد عناصر نیروهای دمکراتیک می‌تواند علیه حاکمیت کردها در شرق فرات مورد بهره‌برداری قرار گیرد و با اتکا بر آن امکان متمایل ساختن کردها به سمت دولت تا حدودی فراهم خواهد شد.

در شرایط فعلی عمده اختلافات دو طرف در مسائل مالی و توزیع ثروت و همچنین رفتار آمرانه فرماندهان قسد با عشایر بومی این منطقه خلاصه می‌شود؛ اما عشایر عرب منطقه به علت عدم برخورداری از پشتوانه لازم (نظامی و مالی) و همچنین فقدان انسجام داخلی، به‌صورت جدی وارد نزاع با کردها نمی‌شوند. اگر سطح اختلافات میان این دو بازیگر بومی گسترده شود و عشایر نیز از یک پشتوانه محکم خارجی برخوردار باشند و در این راستا اطمینان‌هایی نیز به آنها داده شود، به احتمال زیاد امکان کنشگری و نقش‌دهی به عشایر تحقق می‌یابد. همچنین اگر سطح دعوا و اختلاف افکنی تا حدی بالا رود که طرف مقابل (عشایر) با محاسبه شرایط به این نتیجه برسد که توانایی لازم را ندارد، از این‌رو از ادامه درگیری منصرف می‌شود، اما اگر سطح اختلاف با طرف

همسان، حتی اگر مستلزم پشتیبانی خارجی هم باشد، بالا رود، جسارت لازم برای وارد شدن به میدان را به دست می‌آورد.

از طرف دیگر، برقراری هرگونه سیستم خودگردانی در مناطق شرق فرات باید با چراغ سبز دولت مرکزی همراه باشد و همین مسئله خود مانع بزرگی در تحقق این خواسته کردها خواهد بود. در واقع، طرف مورد مذاکره کردها برای پذیرش مطالبه خودمختاری، حکومت مرکزی است؛ زیرا اساساً هر سیستم خودگردانی بر پایه تبعیت از دولت مرکزی شکل خواهد گرفت و به‌طور حتم دولت مرکزی نیز به این خواسته تن نخواهد داد.

۳. خروج آمریکا از منطقه شرق فرات

با خروج آمریکا و یا تضعیف حضور آن در منطقه شرق فرات، تا حد زیادی زمینه برای بازگشت نیروهای دموکرات سوریه به سمت دمشق و الحاق قسد به دولت سوریه فراهم خواهد شد. با خروج آمریکا از شرق فرات، نیروهای دموکرات سوریه با چند تهدید حیاتی مواجه خواهند شد و همین مسئله آنها را به سمت دمشق سوق خواهد داد. قطعاً بزرگ‌ترین و اصلی‌ترین تهدید آنها، کشور ترکیه و عملیات آفندی آن در آینده می‌باشد. علاوه بر این، بخش اعظم نیروهای دموکرات سوریه، معارضین عرب مسلح هستند که با خروج آمریکا از منطقه شرق فرات از بدنه این نیروها جدا می‌شوند. همچنین با خروج آمریکا از این منطقه، انگیزه عشایر عربی معارض کردهای سوریه برای به دست گرفتن کنترل مناطقی که جمعیت غالب آن عرب هستند، افزایش خواهد یافت. در شرایط فعلی، نیروهای دموکرات سوریه در سایه شراکت و پشتیبانی آمریکا، سیاست سرکوب را در مناطق تحت سیطره خود در قبال نیروهای کردی معارض و یا ساکنین عرب منطقه به کار گرفته‌اند، اما با خروج آمریکا دیگر این امکان برای آنها مهیا نخواهد شد، به‌ویژه با توجه به اینکه جمعیت غالب در مناطق شرق فرات از عرب‌ها هستند.

۴. حملات آفندی ترکیه

روند گفتگوها و مذاکرات صورت گرفته میان سران قسد با دولت سوریه نشان می‌دهد، یکی از عوامل اصلی تاثیرگذار در سوق دادن قسد به سمت دولت و انجام مذاکرات، حملات آفندی ترکیه بوده است. در واقع حملات آفندی ترکیه، زمینه را برای خروج آمریکا و عناصر ائتلاف از مناطق هدف و به موجب آن، کاهش حمایت‌های آمریکا و در نهایت سوق دادن قسد به سمت دولت سوریه برای انجام مذاکرات و گفتگو فراهم کرده است. بنابراین می‌توان گفت، کشور ترکیه و عملیات آفندی آن، بزرگ‌ترین و اصلی‌ترین تهدید کردها تلقی می‌شود که به موجب آن زمینه برای تقارب و همگرایی هرچه بیشتر قسد با دولت سوریه فراهم می‌گردد.

5. حمایت بازیگران خارجی (ایران، ترکیه و روسیه) از تقویت نقش عشایر عرب

یکی از پسران‌های محوریت‌بخشی به نقش شبه نظامیان قسد در منطقه جزیره و حرکت آنها به سمت خودمختاری، حمایت و پشتیبانی برخی از بازیگران دولتی دخیل در شرق فرات از عشایر بومی این منطقه علیه عناصر قسد می‌باشد. حمایت بازیگران خارجی از بازیگر بومی رقیب و مخالف قسد در منطقه شرق فرات، نه تنها منجر به عدم تثبیت موقعیت قسد در این منطقه خواهد شد؛ بلکه در بلند مدت زمینه را برای سوق دادن قسد به سمت دولت سوریه فراهم خواهد کرد.

کشور ترکیه به منظور تضعیف نقش و کنش شبه‌نظامیان کرد موسوم به نیروهای دمکراتیک سوریه در این منطقه و همچنین ممانعت از تثبیت ساختار نظامی و سیاسی کردها در منطقه جزیره، خواهان تقویت نقش و کنشگری عشایر بومی این منطقه در تقابل با کردها بوده و در همین راستا اقدام به ایجاد شورای عشایر و قبایل سوریه با حضور ۱۵۰ قبیله و عشیره با قومیت‌های عربی، کردی، سریانی، دروزی، علوی و اسماعیلی کرده است. در ارتباط با ترکیه و حضور آن در این منطقه نیز باید به این نکته اشاره کرد که حضور ترکیه در شرق فرات از زاویه نگاه عرب‌ها اینگونه است که تا زمانی که این حضور تضعیف‌کننده حاکمیت کردها باشد، مطلوب است، اما اگر این حضور منجر به اعمال حاکمیت ترکیه بر این منطقه شود، آن را نمی‌پذیرند.

جمهوری اسلامی ایران نیز با توجه به اینکه شبه‌نظامیان کرد در منطقه جزیره بستر اصلی برای استقرار عناصر آمریکایی و نیروهای ائتلاف را در این منطقه فراهم ساخته و آمریکا در پرتو اتکا به عناصر کردی در این منطقه، حضور خود را تعریف کرده، با تقویت جایگاه کردها در منطقه جزیره و تثبیت موقعیت نظامی و سیاسی آنها در این منطقه مخالف بوده و در تقابل با آنها به دنبال تقویت نقش عشایر بومی این منطقه است. تقویت نقش عشایر در این منطقه و محوریت‌بخشی به آنها نه تنها زمینه را برای تحقق سناریوی مطلوب ایران در ارتباط با آینده منطقه جزیره یعنی اعاده حاکمیت دمشق بر آن فراهم می‌سازد؛ بلکه امکان تأمین منافع و اهداف بلندمدت جمهوری اسلامی ایران در این منطقه را تضمین می‌کند.

علاوه بر ترکیه و جمهوری اسلامی ایران، روسیه نیز ضمن آن که به آمریکا به‌عنوان رقیب استراتژیک خود در پرونده سوریه می‌نگرد، مخالف هرگونه ساختارسازی آمریکا در منطقه جزیره، اتکای این کشور بر ابزار کردی و ایجاد ساختارهای شبه‌دولتی در منطقه شرق فرات است. از طرف دیگر، با توجه به اینکه کشور سوریه از لحاظ اقتصادی در شرایط نابسامانی به سر می‌برد، روسیه به دنبال اعاده حاکمیت دمشق بر منطقه جزیره و منابع انرژی در این منطقه با هدف بهبود وضعیت اقتصادی می‌باشد.

نظام سوریه نیز با توجه به بغرنج شدن وضعیت اقتصادی در داخل کشور، کاهش ارزش پول خود و اعمال فشارهای آمریکا بر شبه‌نظامیان کرد جهت ممانعت از قاچاق سوخت به دولت مرکزی و فروش

غلات در پرتو صدور قانون تحریمی سزار (قیصر) به دنبال تقویت حداکثری نقش عشایر عرب منطقه جزیره و تقابل با ساختارسازی کردها در این منطقه می‌باشد. هر چند در شرایط کنونی اولویت اصلی نظام حاکم سوریه، آزادسازی استان ادلب و پاکسازی کامل این استان از گروه‌های تروریستی بوده؛ اما به هر حال در سایه تشدید فشارهای اقتصادی و تحریم حداکثری غرب و آمریکا به دنبال اعاده حاکمیت بر منطقه جزیره با محوریت بخشی به نقش عشایر عرب و افزایش کنشگری آنها در پرتو خروج نیروهای آمریکا از این منطقه و کشاندن کردها به سمت میز مذاکره است.

به طور کلی، شکل‌گیری هر گونه سیستم خودگردانی و یا واحد خودمختار فدرال کردی در منطقه شرق فرات به عنوان تهدید مشترک میان جمهوری اسلامی ایران، ترکیه، روسیه و نظام سوریه محسوب می‌شود. هر چند در شرایط کنونی شبه‌نظامیان کرد با ایجاد زیرساخت‌های نظامی و سیاسی در منطقه شرق فرات به دنبال ایجاد یک منطقه کاملاً مستقل و اقلیم‌سازی جدید بوده و تا زمانی که از پشتوانه حضور آمریکا در منطقه شرق فرات بهره‌مند هستند، حاضر به عقب‌نشینی از مطالبه خودمختاری و بازگرداندن کنترل مناطق تحت اختیار خود به حکومت مرکزی نخواهند بود؛ اما خودگردانی کردها، به منزله تهدید مشترک میان عشایر عرب با دیگر بازیگران دولتی دخیل همچون روسیه، ترکیه، جمهوری اسلامی ایران و نظام سوریه تلقی شده و همین مسئله میزان اهتمام و توجه این بازیگران به عشایر عرب و نقش‌دهی به آنها را افزایش داده و زمینه را برای کنشگری و محوریت بخشی به عشایر فراهم می‌سازد.

پس‌ران‌ها

۱. حضور نظامی - امنیتی آمریکا در مناطق حکمرانی قسد

یکی از راهبردهای آمریکا در عرصه سیاست خارجی، حضور نظامی - امنیتی در مناطق جغرافیایی با ارزش ژئوپلیتیک است که با تکیه بر حضور خود در این مناطق به دنبال پیشبرد راهبردها و سیاست‌های خود در عرصه‌های مختلف می‌باشد. بر همین اساس، آمریکا با حضور در منطقه شرق فرات به دنبال تحقق مجموعه‌ای از اهداف از جمله مقابله با نفوذ ایران در این منطقه و تلاش برای قطع اتصال سرزمینی محور مقاومت میان سوریه و عراق است.

در حال حاضر، مرکز ثقل آمریکا در شرق سوریه، همان حضور نظامی این کشور است که بر پایه آن دیگر اقدامات آمریکا در حوزه‌های مختلف، از جمله کنترل رقبای احتمالی خود تعریف می‌شود و این کشور با تقویت حضور نظامی خود در این منطقه به دنبال مدیریت تحولات سوریه در مراحل بعدی بحران است.

تنها بازیگر بومی هم‌پیمان آمریکا در شرق فرات، کردها یا به تعبیر دیگر نیروهای قسد هستند؛

به گونه‌ای که می‌توان گفت بستر اصلی حضور آمریکا در این منطقه از سوی کردها فراهم شده است و در مقابل، کردها به ابزاری برای پیشبرد اهداف و برنامه‌های آمریکا در شرق فرات تبدیل شده‌اند. کردها در پرتو حضور و پشتیبانی آمریکا به دنبال تثبیت سیستم خودگردانی هستند و همین مسئله منجر به ایجاد شکاف میان آنها و دمشق شده است.

البته حضور آمریکا در این منطقه فاقد بسترهای قانونی و حقوقی بوده و در بلند مدت با مخالفت بازیگران بومی این منطقه از جمله عشایر عرب سوری در آینده مواجه خواهد شد؛ به‌ویژه با توجه به اینکه آمریکا از زمان ورود به سوریه با چالش بسیج نیروهای عشایر عرب مواجه بوده است. اما به هر حال حضور آمریکا در این منطقه به منزله یک نقطه قوت و اتکا برای عناصر قسد تلقی شده و مانع بازگشت قسد به دامن دولت سوریه می‌باشد.

۲. تمایل کردها به خودمختاری^۱ در شرق فرات

کردهای سوریه طی سال‌های گذشته در کنار اعلام همزیستی مسالمت‌آمیز با دمشق و همسویی با آن، در سایه فقدان دولت مرکزی مقتدر در منطقه شرق فرات و کاهش حضور و نفوذ آن در مناطق کردنشین و همچنین در پرتو حمایت‌های نظامی و تسلیحاتی آمریکا و ایفای نقش پیاده‌نظام ائتلاف، به سمت خودمختاری ذاتی گام برداشتند و در این مسیر سعی کردند از ظرفیت‌های آمریکا در دستیابی به حقوق خود و عنایت‌بخشی به آرمان کردی در برقراری سیستم خودگردانی با ایجاد ساختارهای سیاسی و نظامی در مناطق شمال و شرق فرات بهره‌گیرند. همین مسئله منجر به فاصله گرفتن کردها از دولت سوریه و تلاش برای بخشیدن هویت مستقل به قسد شده است.

بستر اصلی کردها در بیان خودمختاری ذاتی در منطقه شرق فرات، ضعف دولت مرکزی و کاهش نفوذ آن در مناطق شرق فرات بود. پشتوانه اصلی آنها در اعلام این خودمختاری، حضور نامشروع آمریکا بوده و می‌باشد؛ البته با خروج آمریکا و یا تضعیف حضور آن در منطقه شرق فرات، چشم‌انداز خودگردانی کردی نیز درهاله‌ای از ابهام قرار می‌گیرد و به موجب آن زمینه برای الحاق قسد و گرایش آنها به سمت دولت تا حدزیادی فراهم خواهد شد.

۳. وجود انرژی و منابع قدرت‌ساز در شرق فرات

از ویژگی‌های مناطق حکمرانی قسد در شرق فرات، وجود ذخایر غنی نفت و گاز، داشتن

۱. خودمختاری یکی از انواع ساختار غیرمتمرکز است که به موجب آن دولت مرکزی بخشی از قدرت سیاسی خود را به یکی از نواحی داخلی که از هویت قومی و فرهنگی خاصی برخوردارند، واگذار می‌کند. نهادهای خودمختار از دو نهاد اساسی تشکیل می‌شوند: یکی انجمن محلی برای وضع مقررات و دیگری نهاد اجرایی برگزیده از سوی انجمن محلی. واحد خودمختار، اختیار دخالت در امور فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی خویش را دارا می‌باشد، اما در برقراری روابط خارجی و دفاعی و مشارکت در امنیت بین‌الملل تابع دولت مرکزی است.

کشاورزی پررونق با کشت عمده گندم و گذر دو رود فرات و خابور از آن می‌باشد که اهمیت آن را فزونی بخشیده است. استان حسکه سوریه که امروز تحت کنترل کردها قرار دارد، یکی از مهم‌ترین مناطق غنی و نفت‌خیز سوریه به شمار می‌رود که تحت اختیار عناصر قسد قرار دارد. قسد می‌تواند با استفاده از درآمدهای نفتی این منطقه در صورت استمرار تسلط بر آن، در آینده نزدیک به بازسازی وضعیت سیاسی، اقتصادی و نظامی خویش بپردازند. تأثیر نفوذ نفت در رشد سیاسی و اقتصادی را به صورت عینی امروزه می‌توان در اقلیم کردستان عراق مشاهده کرد. گفتنی است نفت سوریه در قدیم از حسکه به قحطانیه فرستاده می‌شد و از آنجا با لوله به پالایشگاه‌های بانیاس و حمص جهت پالایش فرستاده می‌شد.

بنابراین، می‌توان گفت وجود نفت در مناطق تحت سیطره قسد، به عنوان یک عامل بسیار مهم ژئواکونومیک در دستیابی کردها به خودمختاری تلقی می‌شود. به عبارت دیگر، در صورت خودمختاری کردها وجود این منبع باارزش زیرزمینی می‌تواند شکل‌گیری ساختار دولت‌کردی را تسهیل و مقدمات بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی را فراهم سازد.

در شرایط فعلی، شبه نظامیان قسد با تکیه بر درآمدهای حاصل از فروش نفت و گندم در این منطقه، نیازهای اقتصادی و مالی خود را در عرصه ساختارسازی سیاسی و اجتماعی تأمین می‌کنند و به نوعی در این حوزه احساس بی‌نیازی و استقلال می‌کنند. همین مسئله سطح چانه زنی کردها در مذاکرات با دولت سوریه را افزایش داده است؛ به خصوص با توجه به اینکه دولت سوریه از لحاظ اقتصادی در یک شرایط ضعف قرار داد.

۴. سازماندهی قوی کردها در منطقه شرق فرات و عدم انسجام عشایر عرب

یکی از موانع محوریت‌بخشی به نقش و کنش عشایر در منطقه جزیره، عدم انسجام آنها و منازعات چندوجهی داخلی و در سمت مقابل، برخورداری شبه‌نظامیان کرد از سازماندهی قوی و منظم است. با توجه به اینکه پیشینه کردهای سوریه به پ.ک.ک. باز می‌گردد، عناصر نظامی کرد از انسجام و سازماندهی مناسبی در مدیریت تحولات در دو عرصه سیاسی و نظامی برخوردار بوده؛ این در حالیست که ساختار فروپاشیده عشیره‌ای فاقد انسجام‌بخشی در بین عشایر و قبایل این منطقه بوده و توانایی مقابله با آنها را ندارد. در این میان، نقش متغیر آمریکا، حمایت و پشتیبانی این کشور از کردها در تقابل با عشایر عرب را نمی‌توان نادیده گرفت. همچنین متغیر آمریکا به عنوان یک عامل بازدارنده قوی در برابر مخالفت‌های عشایر می‌باشد، اما به هر حال عدم برخورداری عشایر این منطقه از انسجام و سازماندهی کافی امکان تأثیرگذاری آنها و به موجب آن نقش‌یابی عمده در تحولات این منطقه را کمرنگ می‌سازد.

نتیجه‌گیری

با توجه به ابعاد و محورهایی که در ارتباط با عوامل پیش‌ران و پس‌ران در الحاق قسد به دولت سوریه مورد بحث و بررسی قرار گرفت، به نظر می‌رسد در کوتاه مدت و زنه عوامل پس‌ران در ارتباط با این مسئله بر عوامل پیش‌ران سنگینی می‌کند. بر همین اساس، چشم‌انداز روشنی در ارتباط با الحاق قسد به دولت سوریه وجود ندارد. در واقع، به نظر می‌رسد آمریکا با ایجاد زیرساخت‌های نظامی و سیاسی در منطقه شرق فرات، به دنبال ایجاد یک منطقه شبه مستقل و اقلیم‌سازی جدید با محوریت کردها است. کردهای سوریه نیز تا زمانی که از پشتوانه حضور آمریکا در این منطقه بهره‌مند هستند، حاضر به عقب‌نشینی از مطالبه خودمختاری و بازگرداندن کنترل مناطق تحت اختیار خود به حکومت مرکزی و به تبع آن الحاق قسد به بدنه نیروهای مسلح نخواهند بود. شبه نظامیان قسد در حرکت به سمت خودمختاری با موانعی در دو سطح داخلی و خارجی نیز مواجه می‌باشند که این مسئله خود چشم‌انداز خودمختاری کردی را نیز درهاله‌ای از ابهام قرار می‌دهد.

خودگردانی کردها، با موانع بزرگی همچون ترکیه، جمهوری اسلامی ایران، روسیه، عشایر عرب منطقه و نیروهای عرب عضو قسد مواجه خواهد شد و همین امر، احتمال تحقق آن را کاهش می‌دهد. در شرایط فعلی هر چند نیروهای دموکرات سوریه (بخش اعظم اعضای آن عرب هستند) توانسته‌اند با اتکا به شوراهای محلی و برخورداری از حمایت آمریکا، حاکمیت خود را در مناطق عشایری حفظ کنند، اما در بلندمدت قطعاً میان ساختار سیاسی کردی و ساختار سنتی قبیله‌ای عرب تقابل ایجاد خواهد شد. بنابراین، با توجه به اینکه حاکمیت قسد در منطقه شرق فرات تا حد زیادی قائم به حضور آمریکا و عناصر ائتلاف در این منطقه می‌باشد، به نظر می‌رسد چشم‌انداز شبه نظامیان قسد و الحاق آنها به دولت سوریه و حتی حرکت آنها به سمت خودمختاری با موانع و چالش‌های عدیده‌ای مواجه خواهد بود و اساساً تا زمانی که آمریکا در این منطقه حضور دارد، نمی‌توان چشم‌انداز روشنی را در ارتباط با الحاق قسد به دولت سوریه متصور بود. بر همین اساس، متغیر حضور آمریکا در این منطقه نقش اساسی را در تعیین سرنوشت قسد ایفا می‌کند که در بلند مدت انتظار می‌رود با خروج آمریکا از این منطقه زمینه برای گرایش حداکثری قسد به سمت دولت سوریه فراهم شود.



منابع و مأخذ

- العلو، سقراط، تداعیات التنافس فی شرق الفرات علی الفاعلین المحليین والأزمة السورية، مركز الجزيرة للدراسات، قابل بازیابی در آدرس زیر: <https://studies.aljazeera.net/ar/article/4694>
- دلی، خورشید، أكراد سوريا ومعركة الإصلاح، پایگاه خبری الجزیره، قابل بازیابی در آدرس زیر: <https://www.aljazeera.net/opinions/>
- باقری دولت آبادی، علی، ماهیدشتی، مهدی، آینده سیاسی کردستان سوریه: بیم‌ها و امیدها، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، پاییز ۱۳۹۶، دوره ۶، شماره ۳ (پیاپی ۲۳)؛ ص ۳۰
- أكراد سوريا ومساعي إعلان الحكم الذاتي، پایگاه خبری الجزیره، قابل بازیابی در آدرس زیر: <https://www.aljazeera.net/news/reportsandinterviews/2016/6/17/>
- من هی "قوات سوريا الديمقراطية"؟، پایگاه خبری روسیا الیوم، قابل بازیابی در آدرس زیر: <https://arabic.rt.com/world/1050512>
- محاولات تشكيل مظلة سياسية جديدة في شرق الفرات الدوافع والتحديات، مركز عمران للدراسات، قابل بازیابی در آدرس زیر: <https://www.omrandirasat.org>
- أكراد سوريا ومساعي إعلان الحكم الذاتي، پایگاه خبری الجزیره، قابل بازیابی در آدرس زیر: <https://www.aljazeera.net/news/reportsandinterviews/2016/6/17/>
- العاصی، امین، قسد والتحالف الدولي: الشراكة مستمرة، قابل بازیابی در آدرس زیر: <https://www.alaraby.co.uk/politics/>
- پایگاه خبری رویترز، قابل بازیابی در آدرس زیر: <https://www.reuters.com/article/syria-security-ia4-idARAKBN1X117N>
- KLEIN, JANET, The Fate of the Kurds, <https://origins.osu.edu/article/curds-stateless-turkey-syria-iraq-iran>

